



ایران ورزشی به مرز ۳۰ سالگی رسید

بزرگان ورزشی در جشن باشکوه

عکس: سجاد صفوری / ایران ورزشی

چینو

سپهری نو

پلتفرم بانکداری دیجیتال بانک صادرات ایران

بانک صادرات هیچ وقت تعطیل نیست!

همین الان اپلیکیشن سپینو رو با اسکن کد QR دانلود کن
و زیر 3 دقیقه افتتاح حساب کن



بانک صادرات ایران



۸۰۰۰ روایت از ورزش ایران



ایلیا بهزاداول
خبرنگار

در اردیبهشت ۱۳۷۵ رسانه‌ای متولد شد که امروز، پس از نزدیک به سه دهه، به یکی از ستون‌های اصلی مطبوعات ورزشی ایران بدل شده است؛ اگر پیگیر خبرهای ورزش باشید، بعید است نام «ایران ورزشی» در مسیرتان قرار نگرفته باشد. روزنامه‌ای که از نخستین روز انتشار، در تمام بزنگاه‌های مهم ورزش کشور حضور داشته و همگام با ورزش ایران پیش آمده، گاه در قامت ستایشگر افتخارآفرینی ورزشکاران و گاه در نقش منتقد جریان‌های مؤثر ورزش.

در حافظه اهالی ورزش، برخی تیرهای ایران ورزشی به نضاد تبدیل شده‌اند؛ همان روزی که انتقام قدمانی جام جهانی ۲۰۰۲ گرفته شد و پس از برد برابر بحرین، ایران ورزشی برای جشن خیابانی مردم نوشت: «گرچه از قفس پرید». یا وقتی در المپیک پکن، هادی ساعی نوار ناگامی‌ها را پاره کرد و تیتیر «فرشته طلایی ایران» بر صفحه یک نشست. در رپو نیز تصویر قهرمانی حسن یزدانی با تیتیر ماندگار «بلنگ ایران» به ده‌ها رسید، نشان‌های از توجه ایران ورزشی به همه ورزشکاران، فراتر از

ادای احترام به ۸۰۰۰ روز روایتگری ایران ورزشی

هنوز می‌توان نوشت...



فرح حسینی
روزنامه‌نگار

وقتی سال ۱۴۰۰ وارد ایران ورزشی شدم، پشت سرم ۱۷ سال تجربه در تحریریه‌های مختلف بود، اما چیزی که اینجا دیدم با تمام آن سال‌ها فرق داشت. در دوره‌ای که روزنامه‌ها یکی یکی خاموش شدند و بسیاری‌شان فقط به «جلد» تقلیل یافتند، ایران ورزشی هنوز زنده بود، زنده به معنای واقعی کلمه. تحریریه‌ای که هنوز نفس می‌کشید، هنوز

روایتی متفاوت از تحریریه‌ای که حکم خانه را دارد

لوکیشنی به نام ایران ورزشی



سینا حسینی
روزنامه‌نگار

ایران ورزشی فقط یک روزنامه نیست؛ انگار صحنه اصلی یک فیلم بلند است. فیلمی که سال‌هاست دوربینش روشن مانده، پشت‌صحنه ندارد و بازگراش هر روز از نو نقش می‌گیرند، بی‌آنکه تیتراژی برایشان بسته شود.

صحنه اول:

هوا صبح، بوی کاف، نور تند مهتابی‌های راهروی مؤسسه. دوربین آرام از کنار میزها رد می‌شود؛ همان میزهایی که همیشه شلوغ هستند، با کاغذهایی که هنوز هم یادداشت‌های دست‌نویس رویشان دیده می‌شود. صدای تق تق کیبورد می‌آید؛ صدایی شبیه تپش قلب. قصه از همینجا شروع می‌شود؛ جایی که خانواده ایران ورزشی مثل گروه تولید یک فیلم بی‌پایان، هر روز دنبال ساختن محصولی متفاوت‌اند تا سخت‌گیرترین تماشاگرها را هم غافلگیر کنند.



اکنون ایران

ورزشی

به شماره

تاریخی ۸۰۰۰

رسیده:

ایستگاهی

مهم در

مسیری پر بار

که همچنان

ظرفیت

ادامه دارد

ومی‌تواند

سال‌های

ورزش ایران

بماند

فوتبال. از دربی جنجالی سال ۷۹ تا امروز، ایران ورزشی همواره همراه فوتبال ایران بوده؛ از بازی تاریخی برابر آرژانتین در جام جهانی ۲۰۱۴ و پیروزی ارزشمند مقابل مراکش در ۲۰۱۸ تا حسرت صعودی که برابر پرتغال کامل نشد.

این روزنامه در کنار روایت لحظه‌های غرور، گاه شمشیری انتقادی هم داشته؛ مثل تیتیر تند و به‌یادماندنی «موتور گازی به جای بنز» در زمان منتشر شدن شایعه حضور مربی ایرانی در تیم ملی به جای کی‌روش پس از جام جهانی ۲۰۱۴. روزهایی هم بوده که ایران ورزشی در غم مردم شریک شده، مانند زمان درگذشت ناصر حجازی، اسطوره‌ای که ایران ورزشی

برایش سنگ‌تمام گذاشت. ویژه‌نامه‌های مفصل برای جام جهانی برزیل، المپیک توکیو و دیگر رویدادهای بزرگ، بخشی از کارنامه‌ای است که با همراهی برجسته‌ترین نویسندگان ورزشی کشور شکل گرفته، کارنامه‌ای درخشان که کمتر رسانه‌ای در سه دهه اخیر توانسته به چنین استمرار و کیفیتی دست یابد. اکنون ایران ورزشی به شماره تاریخی ۸۰۰۰ رسیده؛ ایستگاهی مهم در مسیری پر بار که همچنان به مسیر ادامه دارد و می‌تواند سال‌های سال همراه ورزش ایران بماند.

عوض می‌کرد، روزهایی که آینده همه مبهم بود. و البته روزهایی تلخ‌تر مثل وقتی که همکارانی جدا شدند و رفتند، مهاجرت کردند یا مثل مرحوم وصال روحانی، برای همیشه از میان ما رفتند. وصال مردی بود پراز سواد، معرفت و مهربانی... و فقدانش هنوز در اتاق تحریریه ایران ورزشی حس می‌شود.

حالا در بیست و یکمین سال فعالیت رسانه‌ای‌ام، خوشحالم که کنار خانواده ایران ورزشی، ۸۰۰۰ شماره از حیات یک روزنامه را می‌بینم، روزنامه‌ای نزدیک ۲۰ ساله که هنوز ایستاده است. ۸۰۰۰ روز یعنی ۸۰۰۰ روایت از

بحران‌ها و نوسان‌ها و مشکلات اقتصادی و سیاسی که به خود دیده، دوام یک روزنامه ورزشی برای سه دهه، چیزی شبیه معجزه است. شاهکاری انسانی که پشت آن فقط یک چیز ایستاده: تعهد و فداکاری. تعهد جمعی که از تحریریه گرفته تا فنی، همگی پای کار ایستادند تا رسانه‌ای پویا شکل بگیرد و حیات خود را ادامه دهد. شماره ۸۰۰۰ ایران ورزشی برای من چیزی فراتر از عدد است. این شماره اثبات این است که هنوز می‌توان نوشت، هنوز می‌توان جنگید و هنوز می‌توان زنده ماند.

ورزش ایران و جهان، یعنی ثبت شادی‌ها، اشک‌ها، صعودها، سقوط‌ها و لحظه‌هایی که بخشی از حافظه جمعی ما شده‌اند.

این روزها بسیاری از مردم از مرگ روزنامه کاغذی می‌گویند، اما هنوز نشریات بزرگ ورزشی مثل گاتزا دلواسپورت با بیش از ۱۲۵ سال سابقه و مارکای اسپانیا با بیش از ۸۵ سال قدمت، با روزنامه کاغذی خود زنده و پرخوانده‌اند و در عین حال در فضای سایبری نیز پرمخاطبند. ایران ورزشی پیش این روزنامه‌های معتبر جهان، مثل یک جوان خام است اما در کشور ایران، با همه



خانواده ایران

ورزشی مثل

گروه تولید یک

فیلم بی‌پایان،

هر روز دنبال

ساختن

محصولی

متفاوت‌اند تا

سخت‌گیرترین

تماشاگرها را هم

غافلگیر کنند

و بالاخره...
صحنه جشن:

هشت‌هزارمین شماره روی میز است. هشت‌هزار بار تولید، هشت‌هزار بار نور، دوربین، حرکت. ایران ورزشی خودش را مدیون تمام بازیگران قدیمی و جدید این فیلم می‌داند؛ کسانی که جوانی‌شان را پای این روایت گذاشتند.

آخرین نما:

دوربین عقب می‌رود، نور کم می‌شود، اما تیتراژ نمی‌آید. روای آرام می‌گوید: «فراموش نکنید... ما هنوز در صحنه‌ایم. هنوز کنار شما. قصه ادامه دارد.»

بازیگر میهمان که انگار همیشه در فیلم بوده‌اند.

اتاق تصحیح؛ سکوت، چهار نفر نشسته‌اند

این میزها بی‌رنگ زندگی می‌سازند. دوربین می‌چرخد و می‌رسد به «پدر این خانواده»؛ علی جوادی. پشت سروا فرخ حسینی، حمید عرب، جعفر برزگر، اکبر منتشلو، محمد قراقرزو، محسن وظیفه، رضا عباسپور، محمد سدهی،

ایلیا بهزاداول و محمدرضا رحیم‌پور؛ هر کدام در کار خودشان سجاد صفری و حسن نقی‌زاده، قاب‌ها را می‌گیرند، لحظه‌ها را فریز می‌کنند، جان تصویرها را می‌سازند. کنارشان دو همراه قدیمی؛ رضا سعیدی‌پور و پیام پارسایی؛ مثل دو



در اوج از کشتی خدا حافظی می کنم

سعید اسماعیلی: مردم وزنده شدم



گفت‌وگو

محسن وظیفه روزنامه نگار

یکی از ستاره‌های بی چون و چرای دنیای کشتی در این روزها سعید اسماعیلی است. پدیده کم‌سن وسال ایران که حالا با یک طلای جهان و المپیک به یکی از بهترین‌های تاریخ کشتی فرنگی هم تبدیل شده است. جوانی که می‌توان روی مدال‌های طلای او تا سال‌ها حساب باز کرد. قهرمانی از استان قهرمان پرور خوزستان که در سال‌های اخیر قهرمانان زیادی را به دنیای کشتی معرفی کرده است. سعید اسماعیلی با ایران ورزشی در هشت هزارمین شماره‌اش گفت‌وگو کرد و از شرایط خاص و مهم این روزهایش گفت.

قبول داری که یکی از عجیب‌ترین ستاره‌های کشتی هستی؟ نه بابا چه عجیبی. کشتی ایران پر بوده از قهرمانان و دلاوران نامدار. بله ولی تو کسی بودی که شاید کمتر کسی توقع داشت به مدال طلای المپیک برسی. در حالی که اصلاً سابقه اعزاز به قهرمانی جهان را هم نداشتی. روزهای سختی را در آن مقطع گذراندم و تنها به امید اینکه بتوانم مدال طلای المپیک را کسب کنم، آن شرایط را تحمل کردم.

محرومیت هشت ماهه به خاطر دوپینگ؟ بله من سال آخر جوانانم بود که در بزرگسالان فیکس شدم. قرار بود به بازیهای آسیایی هانگزو اعزام شوم که خبر دوپینگ آمد و اتحادیه جهانی محروم کرد. اما هشت ماه بعد این محرومیت لغو شد. من یک قرص پزشکی برای بیماری

استفاده کرده بودم که ممنوع شده بود. اول گفتند که ۴ سال محروم شدی اما بعد خدا را شکر با کمک علیرضا دبیر این رای برگشت.

ولی اینکه هشت ماهه در التهاب بودی اما برگشتی و به مدال طلا رسیدی خیلی عجیب بود. چون خیلی سخت است که یک قهرمان به دلیل دوپینگ به یکباره از اردو خارج شود و بعد بتواند برگردد.

واقعاً در آن روزها خیلی شرایط سختی داشت. آن قدر به من بد گذشت که واقعاً الانم یادم می‌افتد اذیتم می‌کند. مربیان و خانواده هر روز کنارم بودند که این شرایط را سپری کنم اما در کنار آنها اقوام و فامیل هم هر روز خانه‌ما بودند و قطعاً این رفتار خیلی تأثیر داشت که بتوانم خودم را جمع و جور کنم. از کار بزرگ فدراسیون

کشتی هم نمی‌توان به سادگی گذشت. اتفاق کم‌سابقه‌ای بود.

فدراسیون کشتی و آقای دبیر واقعاً خیلی پیگیری کردند و توانستند اتحادیه جهانی را قانع کنند و البته آقای رنگرز هم خیلی از من حمایت کرد. علیرضا دبیر هر روز به من می‌گفت می‌دانم تو بی‌گناهی برای همین پای کار ایستادم تا بتوانم درستش کنم.

خانواده شما چند نفره است؟ کسی هست که قبل از تو در این خانواده اهل کشتی باشد؟ ما خانواده ۵ نفره هستیم اما کسی را نداشتیم که اهل کشتی باشد. یادت هست که چطور شد وارد کشتی شدی؟

۹ سالم بود که کشتی را شروع کردم. کلاس سوم ابتدایی بودم، با چند تا از همکلاسی‌هایم رقتیم ثبت‌نام کردیم و از همان ۹ سالگی به‌طور مرتب باشگاه رفتم و روزبه‌روز علاقه‌ام بیشتر می‌شد. چرا این قدر خوزستان

فرنگی کار دارد؟ فکر می‌کنم چون از قدیم در فرنگی خوب بوده دیگر کسی سمت آزاد نمی‌رود. به نظرم امتحان کنند شاید

در آزاد هم کشتی گیر خوب داشتیم. ولی دیگر کشتی فرنگی را بومی سازی کردیم. تقریباً همه قهرمانان ورزش روزهای سخت کم نداشتند. تو هم کم از این روزها ندیدی.

نه، خیلی داشتیم اما بدترین روزهای زندگیم فوت عزیزانم عمو و پسرعموی عزیزم و مادر بزرگم بود که هیچ وقت نمی‌توانم فراموش شان کنم.

این قدری سخت بوده که حتی در بهترین روز زندگی ات هم به یاد عزیزانت بودی.

بله، واقعاً قابل فراموش شدن نیست. بهترین روز زندگی من هم به خاطر مسیر سختی که طی کردم همان روزهایی بود که قهرمان المپیک شدم.

تا کی می‌خواهی مدال آوری را ادامه بدهی؟ آرزوی من این است که سایه پدر و مادرم بالای سرم باشد. در کنار آنها روزهای خوبی را داشته باشم. تا زمانی که بتوانم مدال بگیرم در خدمت کشتی هستم ولی همیشه دوست داشتم که در اوج خدا حافظی کنم.

یک مصاحبه از تو منتشر شده بود که مدال طلای المپیک را بگیرم، پولدار می‌شوم. شدی؟

تا الان مسئولان برای ما هیچ کاری نکردند و اگر جوابی یا پاداشی بوده از فدراسیون کشتی به ما رسیده است. ان شاء الله که مسئولان هم کاری برای این کشتی بکنند که دلسرد نشوند. یادم هست نوجوانان که بودم، گفتم قهرمان المپیک شوم پولدار می‌شوم و دست هر کسی که نیاز دارد را می‌گیرم و کمکش می‌کنم.

اما الان نگاهت تغییر کرده. البته پولی هم که نرسیده؟

خدا را شکر فدراسیون کشتی و علیرضا دبیر حواسش هست. خدا را شاهد می‌گیرم مردم آن قدر لطف دارند، آن قدر با برد ما خوشحال می‌شوند و یا با باخت ما گریه می‌کنند که اصلاً دیگر به پول فکر نمی‌کنم. مگر می‌شود محبت این مردم را جبران کرد؟ بدون اینکه منتهی بگذارند. خیلی از آنها اصلاً از نزدیک هم ما را ندیده‌اند اما به حدی از برد ما خوشحال می‌شوند که الان می‌فهمم دیگر پول برای من ارزشی ندارد. ارزش مدال به این است که همه خوشحال شوند. ان شاء الله که بتوانم این قهرمانی‌ها را تکرار کنم.

اگر روزی فیلم فوتبالی بسازم درباره پرسپولیس خواهد بود

تیرانداز: خاطره ایران-استرالیا از یادم نمی‌رود

مصاحبه

فریناز زمانی / سیمای تیرانداز بازنگر آرام و کم‌حاشیه سینما و تلویزیون، وقتی پای فوتبال وسط باشد به هواداری هیجانی و احساسی تبدیل می‌شود؛ پرسپولیسی متعصبی که با وجود فاصله گرفتن از تب‌وتاب فوتبال، هنوز خاطره صعود تاریخی ایران مقابل استرالیا به جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه را با شور و شغف روایت می‌کند. او که سال گذشته با نمایش «جیمی جامپ» فساد در فوتبال را نشانه گرفته بود، حالا با صراحت از نگرانی‌اش برای کادرفنی تیم ملی و رؤیای ساخت فیلمی درباره پرسپولیس می‌گوید.

اول از همه تکلیف را روشن کنیم: استقلال یا هستنید یا پرسپولیسی؟ و تا چه اندازه فوتبالی؟ خوشبختانه با متأسفانه پرسپولیسی هستم. خیلی سواد فوتبالی ندارم اما مثل خیلی‌های دیگر طرفدار تیم ملی و پرسپولیس هستم. در یک برهه‌ای تیم‌های ملی آلمان و برزیل را خیلی دنبال می‌کردم

ولی الان بیشتر به تیم‌های داخلی علاقه‌مندم. در حال حاضر هیجان فوتبال کمی برای من زیاد است و به همین خاطر دیگر مثل قدیم آن را دنبال نمی‌کنم چراکه احساس می‌کنم تاب و توان این حجم از هیجان را ندارم.

شما سال گذشته نمایش «جیمی جامپ» را روی صحنه داشتید که ارتباطی با فوتبال داشت. ایده این نمایش از کجا آمد و کدام جنبه فوتبالی برایتان جذاب‌تر بود؟

هدف من در نمایش جیمی جامپ اشاره به مقوله فساد بود. در آن روزها بسیار در مورد فساد فوتبال صحبت می‌شد و بخش مهمی از این نمایش هم مربوط به ناگفته‌های پرونده شهلا جاهد بود. به شخصه خیلی دوست داشتم در مورد اتفاقاتی که برای شهلا جاهد رخ داد، نمایشی روی صحنه ببرم ولی احساس کردم صرف اینکه نمایش جانی باشد برای تماشاگر جذاب نیست و به همین خاطر بخش فساد را به داستان شهلا جاهد پیوند زدم که حاصلش نمایش جیمی جامپ شد. البته که بحث فساد تنها در فوتبال نیست و در همه زمینه‌ها دیده می‌شود. من فکر می‌کردم بحث فوتبال برای تماشاگر جذاب باشد اما تا اندازه‌ای ما

را بابت این نمایش بایکوت کردند و خیلی هم به مذاق دوستان فوتبالی خوش نیامد که به فساد در فوتبال پرداختیم. وقتی بازی‌های مهم فوتبال پخش می‌شود، سیمای تیرانداز به عنوان یک هوادار چطور واکنش نشان می‌دهد؟ هیجان زده، تحلیل گریا آرام؟ غالباً وقتی فوتبال پخش می‌شود هیجان زده و احساساتی عمل می‌کنم. فوتبال برای من حکم سرگرمی دارد و اصلاً اهل تحلیل آن نیستم و در این حیطه دخالتی ندارم.

قرعه‌کشی اخیر جام جهانی فوتبال مردان را دنبال کردید؟ نظرتان درباره گروه ایران و تقابل با بلژیک، مصر و نیوزیلند چیست؟ شانس تیم ملی را برای صعود تا چه اندازه می‌بینید؟ من فکر می‌کنم قرعه تیم ملی راحت و خوب است اما تنها نکته نگران‌کننده، کادرفنی تیم ملی است و فکر می‌کنم بیشتر از هر چیزی به یک سرمربی خوب و کاربلد نیاز داریم. طی این سال‌ها هر زمان که سرمربی تیم ملی از ظرفیتهای سطح خوبی داشته و ملی پوشان با کیفیت تمرین کرده‌اند، نتایج خوب و آبرومندانه‌ای هم کسب شده است. اما درباره جام جهانی پیش رو بعدی می‌دانم این اتفاق



فکر می‌کنم به غیر از مودی که گفتم تا به امروز فیلم باکیفیتی در مورد فوتبال ساخته نشده است. اگر قرار باشد یک بازنگر نقش یک فوتبالیست مشهور را بازی کند، شما دوست دارید بازی چه کسی را روی صحنه یا مقابل دوربین ببینید؟

کسی که از بطن فوتبال آمده باشد و به خوبی این حیطه را بشناسد قابلیت این را دارد که چنین نقشی را به درستی ایفا کند؛ شاید کسی مثل پژمان جمشیدی.

دارد. در حال حاضر خیلی نمی‌شود راجع به سینما صحبت کرد چرا که مذاق و سلیقه تماشاگر فرق کرده است. فوتبال یک مسأله کاملاً جدی است اما می‌شود تا حدودی طنز هم به آن نگاه کرد. ساخت فیلم‌های ورزشی نیازمند کارگردانی است که به خوبی در این حیطه تخصص داشته باشد. تا الان به جز فیلم سرعت آقای لطیفی کار قابل توجهی را در این حیطه به یاد نمی‌آورم. این فیلم بسیار خوب بود و هنوز در ذهن من باقی مانده اما من



مردم با تیم ملی نسل ما زندگی می کردند

محمودی: هنوز خودمان هم مربی ایرانی را باور نداریم



بسیاری معتقدند استفاده انتخابی و غیرشفاف از فناوری، موجب شده باشگاه‌ها و هواداران نسبت به تصمیمات دوری بدبین تر شوند

همه این عوامل دست به دست هم داد تا آن نسل در خاطره‌ها ماندگار شود. اشاره کردید به تلاش و از خودگذشتگی بازیکنان آن نسل. آیا ناگفته‌هایی در این خصوص وجود دارد که مردم از آن بی‌خبر باشند؟

بله، تمام بازیکنان آن نسل از جان مایه می‌گذاشتند. شاید مردم ندانند که بسیاری از بازیکنان آن تیم، با وجود درد و مصدومیت و حتی با استفاده از آمپول و مسکن در بازی‌ها حاضر می‌شدند. برای آنها مهم بود که تیم ملی نتیجه بگیرد و باعث خوشحالی مردم شوند. شاید بازی با درد، آسیب‌های جدی به آنها وارد می‌کرد، اما آنها حاضر بودند این فداکاری را انجام دهند تا نام ایران در جهان سربلند باشد. این از خودگذشتگی و تعصب، یکی از ویژگی‌های باز آن نسل بود که باعث شده، حالاها این نسل از یادها نرود. می‌توان انتظار داشت که نسل جدید والیبالیان ایران هم بتواند جای پای آن تیم طلایی بگذارد؟

چرا که نه؟ بازیکنان فعلی از نظر فیزیکی به‌مراتب از نسل ما بهتر هستند. به‌عنوان مثال، امین اسماعیل‌زاد فیزیک بسیار خوبی دارد و در این زمینه حتی از من هم بهتر است. همچنین رده‌های پایه والیبالیان فیزیک‌های خوبی دارند و بازیکنان بااستعدادی در حال ظهور هستند. عادل غلامی در این رده از نظر روانی و تکنیکی به‌خوبی روی آنها کار کرده است و اگر اتفاق خاصی نیفتد و والیبالیان ایران به روند رو به رشد خود ادامه دهد، در آینده‌ای نزدیک شاهد موفقیت‌های بیشتری خواهیم بود.

مردم با نسل شما خاطرات زیادی دارند. به‌عنوان یکی از ستاره‌های آن تیم طلایی، به‌یادماندنی‌ترین خاطراتان از آن دوران چیست؟

خاطرات خوب و تلخ زیادی در این تیم داشتیم ولی یکی از بهترین اتفاقاتی که تا به این لحظه در ذهنم باقی مانده حضور در المپیک بود. در آن مقطع فشار عجیب و زیادی روی ملی‌پوشان بود و صعودمان به المپیک از بهترین لحظات زندگی ورزشی من بود. خاطرات خیلی خوب زیاد داریم ولی می‌شود گفت، صعود به المپیک بهترین خاطره دوران قهرمانی من است.

خارجی نداشته باشیم. به نتایج اخیر تیم ملی بپردازیم. عملکرد تیم ملی در لیگ ملت‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

لیگ ملت‌ها امسال شرایط عجیبی داشت. متأسفانه این دوره اتفاقات ناگواری رخ داد و از آنجایی که کشور درگیر جنگ شد، بچه‌ها در شروع مسابقات شوکه شدند. با این حال نتایج کسب شده با توجه به شرایط موجود، قابل قبول بود. می‌شد نتایج بهتر از این هم باشد اما روند تیم رو به رشد بود. در جام جهانی هم این روند ادامه پیدا کرد. می‌توانستیم در جام جهانی حتی نتایج بهتری کسب کنیم. قرعه و مسیر خوبی پیش روی ما بود و این امکان وجود داشت که به جمع چهار تیم پایانی برسیم. شاید عدم خودباوری در مقابل چک به ما ضربه زد. من فکر می‌کنم اگر چندین بار دیگر با این تیم در شرایط دیگری بازی می‌کردیم، می‌توانستیم به‌راحتی پیروز شویم. نتیجه خوب بود و جزو ۸ تیم برتر دنیا قرار گرفتیم اما قرعه طوری بود که می‌شد بهتر عمل کرد.

هنوز هم نسل شما برای مردم فرق می‌کند و عده‌ای معتقد هستند که این نسل دیگر تکرار نمی‌شود. به‌نظر شما دلایل ماندگاری آن تیم در خاطر مردم چیست؟

به نظر من چند دلیل عمده برای این ماندگاری وجود دارد. اول اینکه، در آن دوره تعداد زیادی بازیکن باکیفیت به‌طور همزمان رشد کردند و در کنار هم قرار گرفتند. این بازیکنان، هر کدام ستاره‌ای در تیم خود بودند و می‌توانستند نتیجه بازی را تغییر دهند. دوم اینکه در همان مقطع یک مربی بزرگ و کاربلد هدایت تیم ملی را برعهده گرفت و توانست از پتانسیل بالای بازیکنان به نحو احسن استفاده کند. همچنین تیم ملی در آن دوره، برای اولین بار در تاریخ توانست در سطح جهانی بازی‌های خوبی از خود به نمایش بگذارد و نتایج درخشانی کسب کند. مردم این موفقیت‌ها را با تمام وجود حس و به آن افتخار کردند. مردم با این تیم زندگی می‌کردند. دیدن اینکه تیم ملی کشورشان در برابر غول‌های والیبالی دنیا بازی می‌کند و پیروز می‌شود، حس غرور و افتخار را در دل آنها زنده می‌کرد.

این سال‌ها با حضور مربیان خارجی، توانسته‌ایم مربی داخلی تربیت کنیم که در حد و اندازه‌های تیم ملی باشد؟ مسأله فقط بحث فنی نیست. بحث فرهنگی و روانی هم مطرح است. آیا بازیکنان ما به این بلوغ رسیده‌اند که مربی ایرانی را قبول کنند و به او احترام بگذارند؟ من معتقدم مربیگری فراتر از دانش فنی است. مربی باید روانشناس باشد و بداند چگونه با بازیکنان ارتباط برقرار کند و آنها را به خودباوری برساند. من نمی‌خواهم خدای ناکرده به کسی بی‌احترامی کنم، اما معتقدم که ما هنوز به مربی ایرانی، به اندازه کافی اعتماد نداریم که با او بتوانیم درمیان‌های بزرگ موفق باشیم.

پایتزا در این مدت توانسته به والیبالیان ایران کمک کند؟
مطمئناً مربی خارجی خوب می‌تواند کمک کند و دانش روز دنیا را به ما منتقل کند. حضور مربی‌ای که در لیگ‌های برتر دنیا فعالیت کرده قطعاً می‌تواند نکات زیادی به والیبالیان ما اضافه کند اما سؤال این است که تا چه زمانی می‌خواهیم این روند را ادامه دهیم؟ ما مربیان شایسته‌ای مثل پیمان اکبری، رحمان محمدی و... داریم که می‌توانند به تیم ملی کمک کنند. اما ما در این سال‌ها نتوانستیم این مربیان خوب داخلی را در کنار مربیان خارجی که آمده و رفته‌اند آموزش دهیم. من حرفم این است که بالاخره یک روزی باید تیم ملی را به مربی ایرانی بسپاریم که این موضوع نیازمند فرهنگ سازی و مسائل روانی زیادی است. شاید عده‌ای نسبت به من جبهه بگیرند اما اگر حرفی می‌زنم دلایل زیادی پشت آن وجود دارد. امیدوارم روزی برسد که از مربی خارجی بی‌نیاز شویم و مربیان داخلی ما به سطحی برسند که بازیکنان به آنها باور داشته باشند و نیازی به مربی

شما یک مجموعه ورزشی هم دارید که در زمینه پدل فعالیت دارد. چه شد که به سراغ ورزش پدل رقتید و آیا برنامه‌ای برای توسعه فعالیت‌های والیبالیان این مجموعه دارید؟

در مجموعه‌ام رشته‌های راکتی مثل پدل، تنیس، تنیس ساحلی و همچنین والیبالی ساحلی و فوتبال فعال است. فاز اول این مجموعه افتتاح شده و فاز دوم آن هم در حال تکمیل است. همچنین به‌دنبال توسعه ورزش‌های آبی و ساخت استخر هم هستیم. من به عنوان کسی که سال‌ها در محیط ورزشی حضور داشته‌ام، معتقدم که ورزش می‌تواند تأثیر مثبتی بر زندگی افراد داشته باشد. هدف من این است که با ایجاد این مجموعه، فضایی مناسب برای ورزش و سلامتی جوانان فراهم کنم.

مربیان خارجی در والیبالیان ایران همواره محل بحث و جدل بوده است. به‌نظر می‌رسد شما در گذشته، انتقاداتی نسبت به این موضوع داشته‌اید. با توجه به حضور آقای پایتزا در رأس کادرفنی تیم ملی و نتایج کسب شده در لیگ ملت‌ها در حال حاضر دیدگاه شما در این باره چیست؟

صحبت من در مورد مربیان خارجی به درستی منتقل نشده و برداشت‌های اشتباهی از آن صورت گرفته است. من منتقد حضور مربیان خارجی

بودم اما حرفم این است که تا چه زمانی باید به مربی خارجی متکی باشیم؟ والیبالیان ایران در سال‌های اخیر به سطح جهانی رسیده است. آیا باید به فکر تربیت مربیان داخلی باشیم که بتوانند هدایت تیم ملی را برعهده بگیرند؟ آیا ما در

گفت‌وگو

فائزه زمانی / شهرام محمودی، یادگار نسل طلایی والیبالیان ایران است که هنوز هم وقتی نامش به میان می‌آید خاطراتی از فداکاری، تعصب و لحظات طلایی والیبالیان ایران را زنده می‌کند. او که این روزها دور از والیبالیان مشغول زندگی شخصی خود است، معتقد است از آنجایی که این روزها فضای این رشته براساس شایسته‌سالاری نبوده و نیازمند ارتباطات است برای همین فعلاً از فعالیت در رشته کناره‌گیری کرده است. محمودی در گفت‌وگو با ایران ورزشی از لیگ ملت‌ها، چالش‌های مربیگری داخلی و خارجی و خاطراتی از نسل طلایی می‌گوید. این مصاحبه، روایت مردی است که با ورزش نفس می‌کشد و هنوز هم می‌خواهد مسیرش الهام‌بخش باشد.

این روزها مشغول چه کاری هستید و تا چه اندازه در والیبالیان حضور دارید؟

همین الان که با شما صحبت می‌کنم در سالن هستم و پسرم در حال تمرین والیبالیان است. به هر حال من یک رابطه جدانشدنی با ورزش و والیبالیان دارم و حتی اگر از مسائل حرفه‌ای مربیگری و تیم ملی هم دور باشم، باز هم خودم را با این رشته سرگرم می‌کنم. در حال حاضر هم یک مجموعه ورزشی احداث کرده که درگیر آن هستم و از ورزش فاصله نگرفته‌ام.

سال قبل یک نیم‌فصل در پاسی گرگان بودید. این فصل پیشنهادهای نداشته‌اید؟

پیشنهاد خاصی نداشتیم. اگر پیشنهاد خوبی هم باشد باید بستر و شرایط فراهم باشد. در حال حاضر فضای کار در والیبالیان این گونه است که باید با مدیران باشگاه‌ها و سیاستوران ارتباط گرفت اما دیدگاه من متفاوت است و مدل رفتاری‌ام این گونه نیست که براساس ارتباطات تیم بگیرم. شاید عده‌ای از این صحبت‌های من ناراحت شوند اما من دوست دارم همه چیز بر اساس شایسته‌سالاری باشد. به شخصه دنبال تیم نمی‌گردم و دوست دارم به من پیشنهاد شود تا کار کنم. حالا منتظر هستم و اگر پیشنهاد خوبی مطرح شود، حتماً به آن فکر می‌کنم.

بحث پسران شد. او تا چه اندازه والیبالی است و از اینکه جاپای شما بگذارد، استقبال می‌کنید؟

پسرم در انتخاب مسیر زندگی‌اش آزاد است و من تا جایی که بتوانم از او حمایت خواهم کرد. خوشبختانه او علاقه زیادی به والیبالیان دارد و از استعداد خوبی هم برخوردار است. ما تمام تلاش‌مان را می‌کنیم تا امکانات لازم را برایش فراهم کنیم. البته در کنار والیبالیان، در ورزش‌های راکتی هم فعالیت دارد و امیدوارم با تلاش خودش بتواند به موفقیت و اهدافش برسد. ورزش حرفه‌ای پیچیده است. سختی‌ها، مصدومیت‌ها، دوری از خانواده و فشارهای روانی زیادی به همراه دارد. تحمل این شرایط دشوار است و به همین دلیل بسیاری از ورزشکاران دوست ندارند فرزندان‌شان این مسیر را تجربه کنند. اما من تمام تلاشم را می‌کنم تا با فراهم کردن امکانات و انتقال تجربیاتم به پسرم کمک کنم تا بهترین انتخاب را داشته باشد.

یادداشت

جمشید حمیدی
روزنامه‌نگار

ایران ورزشی و امید بخشی به جوانان

حدود ۳۰ سال پیش که برای گفت‌وگو در زمینه همکاری به مؤسسه در حال تأسیس ایران آمده بودم، نوشته‌ای در راهروی ساختمان واقع در خیابان خرمشهر عزیز سخت توجه مرا جلب کرد؛ متنی با عنوان «ایران من». چند دقیقه ایستادم و چند بار ایران من را مرور کردم. عجب متن گیرایی بود که خواندن آن نوشته زیبا غرور ملی تا حدودی فروخته را در هر آدمی صیقل می‌داد. نمی‌دانم هنوز هم ایران من زینت‌بخش ورود به مؤسسه ایران هست یا مشمول مرور زمان شده و غبار فراموشی گرفته است.

با پیشقدمی سرکار خانم جعفری از ایرنا که گویا طرف مذاکره برای جمع کردن نیروهای تحریریه بود ابتدا با مرحوم الهامی در شورای سردبیری دیدار داشتم و دو، سه ماه پیش از آغاز، تمرین و ممارست می‌کردیم تا نمونه‌ها و لیات‌ها را سبک و سنگین کنیم. هدف نگاه نو توأم با امیدسازی در ورزش کشور بود. سالی به همین منوال گذشت تا با پافشاری همکاران وابسته به ایران از جمله رضا میرزاییان زمینه نشر ایران ورزشی فراهم شد. در آن روزگار، جامعه ورزش ایران بشدت نیازمند یک روزنامه مستقل و ملی ورزشی بود. زنده‌یادان وصال روحانی و استاد پرویز زاهدی و بزرگوارانی چون فریدون شبیانی، صدرالدین کاظمی، خسرو والی‌زاده و... گرد هم آمدیم و هر یک شرح وظایفی معلوم و مشخص داشتیم. من هم علاوه بر نوشتن والیبالیان سمت دبیر تحریریه را هم بر عهده گرفته بودم. آن موقع هم نوعی تضاد بین نویسندگان، مدیر مسئول و سردبیر وقت ایران ورزشی وجود داشت.

دکتر کردی اعتقاد داشت باید بیشتر به افرادی مانند محمد مایلی‌کهن که متعلق به آداب اسلامی و اجتماعی بودند بها داد و بشدت مخالف چهره‌هایی بود که بویژه در فوتبال فاسد به سابقه بودند و ما هم دنبال تیراز و جایز کردن بین مخاطبان بودیم و او در صد جایگزین ساختن الگو و مدل‌های مقبول طبیفی خاص. با این همه گفت‌وگو می‌کردیم و تعامل داشتیم.

بر سر دو راهی راقبت با خبر ورزشی نوپا و روشی که مدیر مسئول می‌پسندید تلاش کردیم و سال‌ها به این منوال و به قول معروف کج‌دار و مرابز پیش رفتیم تا اینکه آقایانی از دفتر رئیس‌جمهور وقت قدم رنجه کردند و گفتند که از ورزش فقط استقلال و پرسپولیس را می‌شناسند و تمایلی به ادامه کار ایران ورزشی ندارند که منجر به اجاره دادن این نشریه شد. امثال نگارنده کم‌کم فاصله خود را با نشریه زیبای ایران ورزشی بیشتر کردیم، با این همه خاطرات زیادی از انتشار ایران ورزشی در ذهن و دل داریم. روزی که به خاطر تصویر حضور تماشاگران زن بدون حجاب در یک مسابقه هندبال خارجی تهدید شدیم و روزی که رسول خادم برای طلای المپیک پنجه در پنجه یلان انداخته بود و گفت‌وگو با والده مکرمه او از مشهد که برای موفقیت پهلوانش به حرم رفته بود تا نذر هزار صلوات را ادا کند؛ همه و همه یادگاری‌های ماندگاری هستند که در تاریخ مطبوعات ورزشی باقی می‌مانند. سرانجام اینکه در ایران ورزشی بیشترین تلاش در استفاده از واژه‌ها و کلمات فارسی بود و نیز احیای صلابت از دست رفته خبرنگارانی که با افول دو نشریه قدیمی و پیشکسوت و ظهور نشریات ژنریک و بی‌هویت که بدجوری ریشه دوانده بودند. آن نشریات اکنون نیستند ولی ایران ورزشی در پرتو آشنایی‌ها و خلاقیت نسل جوان تر مانده است. تا ریشه در آب است، امید ثمری هست!

حالا نسل جوانی در ایران ورزشی قلم می‌زنند امیدوارم موفق باشند ولی فراموش نکنند که وظیفه آنها پیش از هر نقد و نظر باشیدن بذر امیدواری بین جوانان کشوری است که مهد دلبران نام گرفته است.



عاشق جنگیدن هستم

نعمتی: دوز وطن پرستی ام بالاست



عکس: رضا مسطردان / ایران ورزشی

گفت‌وگو

در خدمت ورزش کشورم باشم که بخش زیادی از آن به عرق ملی و وطن پرستی ام برمی گردد. آرزوهای زیادی در ذهن دارم تا دختران موفق در این مسیر ادامه بدهند. همین که مسئولان فدراسیون و کمیته پارالمپیک به من و بقیه قهرمانان اجازه می دهند بعد از دنیای قهرمانی در ورزش معلولان کار کنیم، این حمایت ها و فرصت خیلی ارزشمند است.

این فرصت، تربیت مدیر برای آینده ورزش پارالمپیک است؟
دقیقاً. این فرصت هایی که مسئولان به ما داده اند خیلی ارزشمند است. در حالی که قبلاً خیلی از قهرمانان با خداحافظی از دنیای قهرمانی رها شدند و از تجربیات آنها استفاده نشد. وقتی سالها از بیت المال برای قهرمانان هزینه شده خیلی حیف است که آنها را از دست بدهیم. گرچه زندگی آرام و راحت برای همه ایده آل است اما من به خاطر اینکه عاشق مسیریهای پرچالش هستم، بخش سخت آن را انتخاب کردم.

توپیشنهادهای وسوسه انگیزی از امریکا و جمهوری آذربایجان برای تغییر تابعیت داشتی، چرا قبول نکردی؟
اصلاً وسوسه نشدم. چون زهرای نعمتی از یک جایی دیگر متعلق به خودش نبود. بویژه بعد از حضور و سخنرانی در سازمان ملل. البته با احترام به همه آنها که تصمیم به مهاجرت گرفتند. چون آنها

مهری رنجبر / زهرای نعمتی با تکیه بر رویای المپیک را در سر داشت. اما خدا برای او راه دیگری را باز کرد. راهی که حتی خوابش را هم نمی دید. با اینکه آن تصادف لعنتی او را از میاززه و شایاب چانگ دور کرد، اما تیروکمان را جلوی پایش گذاشت. ورزشی که زهرای نعمتی را به دنیای دیگری برد. دنیای ایستادگی، طلایی، پر از افتخار و اتفاقات تاریخی که از او نه فقط یک قهرمان ایرانی که قهرمان جهان و المپیک ساخت. به همین خاطر تیروکمان برای او خاص است.

شما بعد از قهرمانی در المپیک ۲۰۱۲ لندن، به عنوان ورزشکار الهام بخش در جهان انتخاب شدی و امسال هم مدیربرتر، چطور این اتفاق می افتد؟
خودم خیلی به آن فکر می کنم، اما شاید همه این مسائل به مسئولیت پذیری زهرای نعمتی برمی گردد. ما دختران و حتی مدیران مسئولیت پذیر زیادی داریم. البته جواب این سؤال جنبه های مختلفی دارد. چون اتفاق ویژه ای افتاده بود و سالها از پول بیت المال برای زهرای نعمتی هزینه شد تا تجربیات زیادی کسب کند. خیلی دوست داشتیم بعد از سالها افتخار آفرینی

هیچ گناهی نکردند و می خواستند زندگی و شرایط بهتری داشته باشند. اما برای من زهرای نعمتی قضیه متفاوت بود. چون از نگاه دنیا این موضوع اصلاً قشنگ نبود. بابت چه چیزی باید تغییر تابعیت می دادم و پرچم یک کشور دیگر را بالا می بردم؟ عرق ملی و وطن پرستی در دنیا خاص است و جامعه بین الملل بعد از حضورم در سازمان ملل به عنوان یک زن ایرانی این مسأله را نمی پذیرفت. خودم هم نمی توانستم قبول کنم برای یک کشور دیگر مسابقه بدهم و افتخار آفرین باشم.

مدال هم می گرفتی دلچسپ نبود؟
نه، برایم خیلی جذابیت نداشت. آن هم برای من که میزان وطن پرستی بالایی دارم، اصلاً خوشایند نبود. از نگاه جهان هم خوشایند نیست. من در هر شرایطی ایستادن، تلاش و جنگیدن را خیلی دوست دارم.

در سخنرانی ات در سازمان ملل گفته بودی که می خواهی با همکارانی مسئولان معلولیت را شکست بدهی. امکانات و زمینه برای تحقق این هدف برای تو فراهم شد؟

ما باید سطح آگاهی جمعی را بالا می بردیم تا تحولات رانندگی کم شود، از بستن کمربند ایمنی تا سرعت غیرمجاز. از طرفی ماشین ها و جاده های غیر ایمن هم هست. معضلاتی که سالها باید برای آنها فکر

رمز ماندگاری



حجت الله اکبرآبادی

روزنامه نگار

ایران ورزشی در شرایطی بیست و نهمین سال انتشار خود را پشت سر می گذارد که فراز و نشیب های زیادی را به خود دیده است؛ از تغییر قطع و لوگوی روزنامه تا تغییرات در فرم و محتوا. در حقیقت اگر امروز شماره هشت هزارمین خود را چاپ کرده و در بین مخاطبان ماندگار بوده است، ریزان برمی گردد به پایداری ایران ورزشی به اصول حرفه ای و پرهیز از حاشیه و جنجال های رسانه ای. ایران ورزشی که نخستین روزنامه چهار رنگ ورزشی ایران به حساب می آید به واسطه بودنش در زیر مجموعه مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران و البته صاحب امتیازی خبرگزاری جمهوری اسلامی، با تغییر دولت ها بی نصیب از تغییرات مدیریتی نبوده است و مدیران بسیاری سکانداری ایران ورزشی را

بالا می رود. باید برای حل یکسری معضلات دست به دست هم بدهیم. کشورهای توسعه یافته علاوه بر اینکه معلولیت را به صفر رسانده اند، حالا معلولیت را ویژگی می بینند نه معضل و مشکل.

توهم کماندار بودی و هم سرمربی، کدام سخت تر است؟

هر دو سختی خودش را دارد، اما زمانی که ملی پوش بودم، برای پیشرفت باید خیلی تلاش می کردم و حتی مجبور بودم خیلی برنامه ریزی کنم و سختی های زیادی را به جان می خریدم. اما حالا باید شرایط را برای بچه هایم فراهم کنم. این خیلی سخت تر است که باید وضعیت روحیه و تمرینی آنها را جداگانه رصد و زمینه را آماده کنم تا در کمال آرامش تمرین کنند. من بعد از انتخاب مربیان بی نظیر برای تیم های ریکرو و کامپوند، حالا مدیر تیم ملی هستم و فقط مدیریت می کنم تا مربیگری. می خواهیم تیم های ملی تیرو کمان را ارتقا دهیم. همین کارم بودم، سخت تر کرده است.

آن زمان من فقط ورزشکار بودم اما حالا کاملاً در حوزه مدیریت وارد شده ام و تیو کود رفته ام تا برای موفقیت کمانداران تلاش کنم. و وقتی نتوانم برای ورزشکارم کاری کنم ناراحت می شوم.

ورزش برای تو با تکیه بر شروع شد. دلت برای مبارزه و شایاب چانگ تنگ نمی شود؟

چرا، اما دیگر فرصتش گذشته. بعد از آشنایی با تیروکمان وارد دنیای دیگری شدم. یک روز با تکیه اندو رویای المپیک را داشتم، اما حالا با تیروکمان هم المپیک را تجربه کردم و هم پارالمپیک که رشته های خیلی ویژه است. رشته های زیادی از بسکتبال، تنیس و تکیه اندو را تجربه کرده ام اما تیروکمان برایم خیلی خاص است.

الانصاف در کارش یک استثنا بود و همچون دایره المعارف ورزشی، دانش و تجربه خود را در اختیار همکاران جوان خویش قرار می داد. جا دارد همچنین یاد کنیم از جاوید نامانی که برای دوره ای در خدمت ایران ورزشی بودند و اکنون نیستند؛ پرویز زاهدی، حسین حصار و آرش رستم نمدی که هر یک در کارشان خبره بودند و مطالب شان نافذ بود و عمیق. صاحب این قلم نیز این افتخار را داشته است که از بدو انتشار ایران ورزشی در اول خرداد ماه سال ۱۳۷۶ به مدیریت مسئولی دکتر محمد رضا کردی برای دو دوره در خدمت ایران ورزشی باشد، آن هم با خاطراتی خوب و ماندگار. در این مجال برای علی جوادی سردبیر محترم و همکاران ایران ورزشی که همچنان پرنرژی و با پایداری به اصول حرفه ای در خدمت رشد و توسعه ورزش ایران هستند آرزوی توفیق دارم و امیدوارم باصلایت به کارشان ادامه دهند.

هیچ گناهی نکردند و می خواستند زندگی و شرایط بهتری داشته باشند. اما برای من زهرای نعمتی قضیه متفاوت بود. چون از نگاه دنیا این موضوع اصلاً قشنگ نبود. بابت چه چیزی باید تغییر تابعیت می دادم و پرچم یک کشور دیگر را بالا می بردم؟ عرق ملی و وطن پرستی در دنیا خاص است و جامعه بین الملل بعد از حضورم در سازمان ملل به عنوان یک زن ایرانی این مسأله را نمی پذیرفت. خودم هم نمی توانستم قبول کنم برای یک کشور دیگر مسابقه بدهم و افتخار آفرین باشم.

مدال هم می گرفتی دلچسپ نبود؟
نه، برایم خیلی جذابیت نداشت. آن هم برای من که میزان وطن پرستی بالایی دارم، اصلاً خوشایند نبود. از نگاه جهان هم خوشایند نیست. من در هر شرایطی ایستادن، تلاش و جنگیدن را خیلی دوست دارم.

در سخنرانی ات در سازمان ملل گفته بودی که می خواهی با همکارانی مسئولان معلولیت را شکست بدهی. امکانات و زمینه برای تحقق این هدف برای تو فراهم شد؟

ما باید سطح آگاهی جمعی را بالا می بردیم تا تحولات رانندگی کم شود، از بستن کمربند ایمنی تا سرعت غیرمجاز. از طرفی ماشین ها و جاده های غیر ایمن هم هست. معضلاتی که سالها باید برای آنها فکر

عهددهار بوده اند.

فلسفه انتشار روزنامه ایران ورزشی نیز در کنار اطلاع رسانی درست، ارائه نقطه نظرات مختلف در چهارچوب نقدهای سازنده به منظور توسعه ورزش ایران بوده است که فکری کم ایران ورزشی در انجام این رسالت موفق بوده است. این مهم در شرایطی حاصل شده که با توسعه فضای مجازی و خبررسانی شبکه های اجتماعی در لحظه، جایگاه تفسیر و تحلیل و نقد در روزنامه نگاری حرفه ای پررنگ تر از پیش شده است.

ایران ورزشی در مسیر طولانی پیموده شده تا به امروز و به دلیل کارگیری همکاران حرفه ای و باتجربه توانسته است این مسیر را پشت سر گذاشته و همچنان به عنوان روزنامه ای وزین و مطرح به رسالت حرفه ای خود پایبند باشد. خوب است در اینجا یاد کنیم از همکار تازه درگذشته مان، وصال روحانی که الحق و

خبر

عزیزالله اطاعی

روزنامه نگار

نیاز ورزش ایران به ایران ورزشی

از انتشار صفر تا هشت هزارمین شماره یک روزنامه ورزشی، شاید روی کاغذ فاصله ای نباشد اما به مقیاس زمان، یعنی بالای سی و چند سال فعالیت حرفه ای و ماندن در مسیر درست اطلاع رسانی، کسب اعتبار و جایگاه معتبر در میدان رقابت و ادامه دادن.

انصافاً ایران ورزشی تا همین شماره، با سختی ها و فراز و فرودهای بسیاری دست و پنجه نرم کرده و بارها نیز تا مرز تعطیلی پیش رفته، اما هر بار با حمایت، تلاش، پشتکار، خلاقیت، نوآوری نویسندگان، صاحب نظران و اهالی فن جوان و باتجربه خودش، سرپا مانده تا امروز بتواند انتشار هشت هزارمین شماره اش را جشن بگیرد.

ورزش ایران به روزنامه ای نیاز داشت همانم خود که بتواند واقع بینانه و حرفه ای، کارشناسانه، به روز، فنی، ریزبینانه و با آگاهی از تازه ترین دانش رسانه ای به انعکاس اخبار، گزارشات و رویدادهای مرتبط با ورزش بپردازد که به باور من ایران ورزشی تا اینجای کار به خوبی در این مسیر کام برداشته و تأثیرگذار هم بوده است.

تا جایی که من یادام هست، در سه چهار دهه گذشته، نشریه های زیادی بودند که با هدف ایجاد تحول و نوآوری در اطلاع رسانی ورزشی وارد عرصه رقابت ها شدند، اما با گرفتار شدن در حاشیه ها و انتشار اخبار زرد، به شماره هزار نرسیده از گردونه خارج شدند.

رسیدن ایران ورزشی به هشت هزارمین شماره، نشانه باقی ماندن در مسیر درست اطلاع رسانی و قرار گرفتن در جایگاهی حرفه ای است که امید می رود این روند همچنان تداوم داشته و هزاره های بعدی نیز جشن گرفته شود. روزنامه وزین ایران ورزشی در مجموعه نفیس هشت هزار شماره ای خودش چه امانت هایی که از بهترین نویسندگان، اهالی فن، صاحب نامان رسانه و نامداران ورزشی نویس به یادگار ندارد.

در واقع ایران ورزشی شاید از جمله روزنامه های ورزشی باشد که تقریباً تمامی صاحب نامان رسانه و اهالی فن و قلم ورزش ایران، یا به طور ثابت و یا مقطعی در آن به فعالیت مشغول بوده اند. در پایان سخن کوتاه اینکه، ایران ورزشی در طول فعالیت خود، همواره پایگاهی برای رشد و پیشرفت ورزشی نویسان مستعد و جوان بوده و با همین جوانان نیز بحران های بسیاری را پشت سر گذاشته که امید است با درایت دست اندرکاران فعلی روزنامه، این روند همچنان ادامه یابد.



این تیم آغازگر مسیر موفقیت من بود

برونو سزار: آرزو دارم روزی به سپاهان بازگردم

خارج از مستطیل سبز، برونو سزار همان مرد ساده و خانواده‌دوستی است که تصور می‌کنید: «وقت آزادم را با دوستانم فوتبال بازی می‌کنم یا کنار خانواده‌ام استراحت». این دو چیز همیشه به من انرژی می‌دهند.»

برخلاف بسیاری از لژیونرها که ایران را فقط ایستگاهی موقت می‌بینند، او رؤیای بازگشت دارد: آن‌هم نه با پیراهن بازیکن، بلکه با کت‌وشلوار مربیگری: «آرزویم این است که روزی به سپاهان برگردم، این بار به عنوان مربی. سپاهان فقط یک تیم نبود؛ بخشی از هویت ورزشی من شد.» از رسانه‌های ایران هم تعریف کرد: «کارشان را خیلی خوب انجام می‌دهید. گاهی اخبار را دنبال می‌کنم، به خصوص ایران ورزشی. پوشش‌تان واقعی و دقیق است.» اما یک پیشنهاد هم داشت: «کاش فوتبال ایران را بیشتر به دنیا نشان بدهید. این فوتبال شایسته دیده شدن در سطح جهانی است.»

در پایان، با نگاهی پر امید گفت: «هر دو کشور ایران و برزیل آینده‌ای درخشان دارند. استعدادها فراوانند و اگر حمایت‌ها ادامه پیدا کند، موفقیت‌های بزرگتری در راه خواهند بود.» برونو سزار هنوز با لبخند به اصفهان فکر می‌کند: به تیمی که مسیر موفقیتش را هموار کرد و قلبی که همچنان برای طلایی پوشان می‌تپد.

یک تیم، بلکه یک تاریخ پرافتخار است؛ با بازیکنان بزرگ و کاپ‌های درخشان. حس کردم وارد خانه دومم شده‌ام.» ماندگارترین خاطره‌اش؟ بدون تردید جامی که با سپاهان بالای سر برد. با افتخار گفت: «قهرمانی با سپاهان اولین عنوان بزرگ دوران حرفه‌ای من بود. هنوز صدای تشویق استادیوم نقش جهان در گوشم زنگ می‌زند و آن جام را هیچ‌گاه فراموش نخواهم کرد.» سخت‌ترین بازی؟ لحظه‌ای مکث کرد و پاسخ داد: «دیدار مقابل استقلال در لیگ قهرمانان آسیا، در اصفهان. آنها تیمی قدرتمند و منظم بودند، اما ما در خانه‌مان جنگیدیم و بردیم؛ چه شب فراموش نشدنی ای!»

از او پرسیدیم چه چیزی در سپاهان او را شگفت‌زده کرد؛ پاسخش قاطع بود: «ساختار حرفه‌ای، امکانات درجه یک، نظم تیمی و کیفیت بازیکنان؛ چیزی کم از بهترین تیم‌های برزیل نداشت. اگر دوباره فرصتی پیش بیاید، حتی یک لحظه درنگ نمی‌کنم و تا آخرین روز فوتبالم در سپاهان می‌مانم.»

درباره تفاوت فوتبال ایران و برزیل گفت: «تفاوت چشمگیری نمی‌بینم. هر دو کشور استعدادهای درخشان، تیم‌های پرقدرت و هوادارانی دیوانه‌وار دارند. سطح لیگ ایران واقعاً بالاست و از نظر من در بسیاری از زمینه‌ها هم‌تراز فوتبال برزیل است.»



آرزویم این است که

روزی به

سپاهان

برگردم،

این بار به

عنوان مربی.

سپاهان

فقط یک تیم

نبود؛ بخشی

از هویت

ورزشی من

شد



دو کشور و نگاهی به رسانه‌های ورزشی ایران سخن گفت. بازیکنی که هرچند دوران کوتاهی در لیگ ایران ماند، اما ردیای پررنگ و خاطره‌ای ماندگار در قلب هواداران سپاهان به‌جا گذاشت. او با لبخندی گرم از روزهای طلایی‌اش آغاز کرد: «فوتبال را در ریو برانکو، تیم شیرین حضور در ایران، تفاوت‌های فوتبال زادگاهم شروع کردم. همان‌جا بود که

مدیربرنامه‌هایم پلی میان من و سپاهان زد و من راهی ایران شدم تا پیراهن یکی از بزرگترین باشگاه‌های این سرزمین را بر تن کنم.»

وقتی از نخستین لحظه پوشیدن پیراهن طلایی سپاهان پرسیدیم، چشمانش برق زد: «آن روز یکی از خوشحال‌ترین روزهای عمرم بود. می‌دانستم سپاهان نه فقط

ریکاردو آلوز در گفت‌وگوی اختصاصی با ایران ورزشی

از زندگی کنار مردم ایران لذت می‌برم

آلوز همچنین تعاملش با هم‌تیمی‌ها و مربیان خود را حرفه‌ای و همراه با احترام متقابل توصیف کرد.

این بازیکن پرتغالی درباره تجربه‌اش با رسانه‌های ایرانی گفت: «رسانه‌ها هم مثل مردم ایران همیشه عادی و محترمانه بوده‌اند. همواره به من احترام گذاشته‌اند و حرف منفی‌ای درباره آنها ندارم.» در پاسخ به پرسشی درباره حواشی انتقالش به سپاهان و تنش‌های میان دو باشگاه، آلوز صریح توضیح می‌دهد: «فقط می‌توانم بگویم که به سپاهان آدمم چون تیمی با قهرمانی‌های متعدد است و تاریخش نشان می‌دهد که همیشه برای قهرمانی تلاش کرده. من هم به‌عنوان یک بازیکن حرفه‌ای با تفکری حرفه‌ای دوست دارم در این مسیر به باشگاهم کمک کنم تا به قهرمانی برسیم و در کنار هم به موفقیت‌های بیشتری دست پیدا کنیم.» این پاسخ نشان‌دهنده انگیزه بالای او برای کسب عنوان قهرمانی با سپاهان



محمد رضا حسین پور

روزنامه نگار

ریکاردو آلوز، ستاره پرتغالی خط میانی سپاهان اصفهان، در فصلی که با انتقالی پرسروصدای تراکتور به جمع طلایی پوشان پیوست، خیلی زود به مهره‌ای کلیدی در ترکیب این تیم تبدیل شد. پاس‌های دقیق، دید وسیع و تأثیرگذاری او در میانه میدان بار دیگر نامش را بر سر زبان‌ها انداخت. آلوز در گفت‌وگویی اختصاصی با ایران ورزشی از تجربیاتش در فوتبال ایران، زندگی در اصفهان و حواشی انتقالش سخن گفت. او درباره زندگی در ایران، بویژه اصفهان، می‌گوید: «من شهر اصفهان را دوست دارم و خیلی راحت توانستم با زندگی در آن تطبیق پیدا کنم. به‌طور کلی ایرانی‌ها مردمان بسیار مهربانی هستند و از این بابت حس خیلی خوبی دارم. همیشه رابطه‌ای خوب و محترمانه با آنها داشته‌ام.»

میراث هشت‌هزارگی: راوی صادق یک تاریخ

خیال‌برانگیز است. و حالا رسیدن به شماره ۸۰۰۰ معلوم است که چه جلای دارد. سال به سال و روز به روز ایستادگی و استمرار. ۸۰۰۰ بار نگرانی برای عکس یک و تیتراصلی روزنامه. ۸۰۰۰ شب نگرانی برای آماده کردن صفحاتی که حرفی برای گفتن داشته باشد. نکته‌ای برای شنیدن.

یک روزنامه، میراث یک روزنامه، تنها صفحات آن و فایل‌های بی‌شمار الکترونیکی از عکس و مطالب و صفحات بسته شده نیست. ۸۰۰۰ شماره روزنامه، آرشیو زنده‌ای است از هزاران خاطره مشترک. آرشیوی است از این همه سال اتفاق و medial



سیامک رحمانی

روزنامه نگار

روزنامه‌نگاری در ایران کار عاشقانه‌ای است. عشقی که برای کمتر کسی به وصال می‌رسد. می‌خواهد رؤیایان انتشار نشریات و رسانه‌هایی متعالی باشد یا لذت بردن از کار حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، در همین فضااست که ماندن و فقط خود دوام آوردن می‌شود آرزو. برای روزنامه‌نگارهایی که کار و زندگی‌شان به مو و کلمه‌ای بند است، شماره ۱۰۰۰ و شماره ۲۰۰۰،

مربیانی که در ایران با آنها کار کرده است، توضیح می‌دهد: «قریان بردیف و باکو خمز مربیان بسیار خوب اما کاملاً متفاوتی بودند. به‌طور کلی ارتباط خوبی با هر دوی آنها داشتم. مدت‌زمان کمی است که با محرم نویدکیا کار می‌کنم، اما واقعاً از همکاری با او لذت می‌برم. او مربی بسیار خوبی است، به بازیکنان آزادی عمل می‌دهد، به آنها اعتماد دارد و در عین حال انسان بسیار خوبی است.» او درباره نحوه گذراندن اوقات فراغت خود در ایران گفت: «به موسیقی گوش می‌دهم، فوتبال تماشا می‌کنم، گاهی رانندگی می‌کنم و پدل هم بازی می‌کنم.»

آلوز در پایان پیامی به مردم ایران داد: «همین‌طور مهربان و خونگرم بمانید. چیزی که خیلی دوست دارم بیشتر ببینم و از آن لذت می‌برم این است که وقتی بیرون می‌روم، مردم را در پارک‌ها و خیابان‌ها ببینم که در کنار خانواده و دوستان‌شان هستند.»

است. آلوز با اشاره به علاقه‌اش به غذاهای ایرانی توضیح داد: «غذاهای ایرانی خیلی خوب هستند. خیلی از آنها را امتحان کرده‌ام و بسیاری را دوست داشتم و می‌توانم بگویم به‌طور کلی غذای ایرانی را می‌پسندم.» هافبک سپاهان درباره ورزشگاهی که بهترین جو را برایش داشته، توضیح داد: «در ایران تجربه زیادی از فضا و اتمسفر ورزشگاه‌ها دارم. اصفهان، تهران و تبریز بهترین فضا را داشتند، اما فکرمی‌کنم گرم‌ترین و پرشورترین شان تبریز بود. نمی‌خواهم در این مورد ریاکارانه صحبت کنم: واقعیت همین است.» او درباره میزان آشنایی‌اش با زبان فارسی گفت: «شروع کرده‌ام به فهمیدن خیلی از چیزها. در زمین فکرمی‌کنم خوب متوجه می‌شوم که هم‌تیمی‌ها چه می‌گویند و منظور فوتبالی‌شان را کاملاً درک می‌کنم.» آلوز در پاسخ به سؤالی درباره بهترین

پایبندی خود را به اخلاق حرفه‌ای و دوری از حاشیه‌سازی‌های مخرب حفظ کرده‌اند. این تعادل نه تنها در لحن، بلکه در «پوشش فراگیر» رشته‌های ورزشی نمایان است. «ایران ورزشی» روزنامه‌ای بود که از روز اول به داشتن نگاهی گسترده‌تر پایبند بود و هرگز خود را محدود به دایره تنگ فوتبال مردان و باشگاه‌های پرطرفدار و اسم‌های بزرگ نکرده است؛ بلکه همواره رشته‌های کم‌توجه‌تری چون والیبال، بسکتبال، کشتی و ورزش‌های بانوان بوده است. این توجه به تمام ابعاد ورزش، نمادی از درک عمیق این نشریه

پایبندی خود را به اخلاق حرفه‌ای و دوری از حاشیه‌سازی‌های مخرب حفظ کرده‌اند. این تعادل نه تنها در لحن، بلکه در «پوشش فراگیر» رشته‌های ورزشی نمایان است. «ایران ورزشی» روزنامه‌ای بود که از روز اول به داشتن نگاهی گسترده‌تر پایبند بود و هرگز خود را محدود به دایره تنگ فوتبال مردان و باشگاه‌های پرطرفدار و اسم‌های بزرگ نکرده است؛ بلکه همواره رشته‌های کم‌توجه‌تری چون والیبال، بسکتبال، کشتی و ورزش‌های بانوان بوده است. این توجه به تمام ابعاد ورزش، نمادی از درک عمیق این نشریه



کاری می کنیم مردم از فوتبال تیم ملی لذت ببرند

آندو: قلعه نویی آماده ترین بازیکنان را به جام جهانی می برد



گفت وگو

حمیدرضا عرب / تیم ملی فوتبال ایران در خردادماه سال ۱۴۰۵ در مسابقات جام جهانی حاضر خواهد شد؛ تورنمنتی که همیشه با حساسیت، هیجان و البته چالش همراه بوده است. طبق قرعه کشی، ایران در گروهی قرار گرفته که رقاباتی مانند نیوزیلند، بلژیک و مصر در آن حضور دارند و به ترتیب به مصاف این تیم ها خواهد رفت. تا شروع جام جهانی، تیم ملی دو فیفادای و احتمالاً چهار یا پنج بازی تدارکاتی در پیش دارد و فدراسیون فوتبال نیز در حال رایزنی است تا بهترین برنامه آماده سازی طراحی شود. در این میان، کادر فنی نیز مسئولیت بزرگی بر دوش دارد؛ کادری که قرار است در جام جهانی روی نیمکت تیم ملی بنشینند و یکی از مؤثرترین اعضای آن، آندرانیک تیموریان، بازیکن و کاپیتان سابق ایران است. آندو در مسیر صعود تیم ملی به جام جهانی کمک حال کادر فنی بود و یکی از مردانی بود که تأثیر قابل توجهی در نتایج تیم ملی داشت. حالا او به طور قطع یکی از ارگانی است که امیر قلعه نویی بشدت روی تجربه اش حساب خواهد کرد. حضور در جام جهانی و بازی در یکی از بهترین لیگ های جهان آندو را در کادر فنی تیم ملی متمایز می کند. در همین راستا، او پای گفت وگویی مفصل با ایران ورزشی نشست و به سوالات مختلف درباره وضعیت تیم ملی، آماده سازی، نگاهش به رقبا و ذهنیت بازیکن در جام جهانی پاسخ داد.

ابتدا با توجه به انتشار شماره ۸۰۰۰ روزنامه ایران ورزشی چه پيامی دارید؟
اول از همه به ارکان و دست اندرکاران ایران ورزشی تبریک می گویم. رسیدن به شماره ۸۰۰۰ کار کوچکی نیست و نشان می دهد این رسانه سال ها در پیشرفت و توسعه ورزش ایران و اطلاع رسانی نقشی کلیدی داشته است. به عنوان کسی که سال ها در فوتبال بوده، می دانم که رسانه ها چه تأثیری در روحیه، اطلاع رسانی و همراهی با مردم دارند. آرزو می کنم ایران ورزشی در مسیر موفقیت و خدمت به ورزش ایران بیشتر بدرخشد. درباره قرعه ایران در جام جهانی،

برخی معتقدند ایران در گروه آسانی قرار گرفته، نظر شما چیست؟

به هیچ وجه این طور نیست. فکر می کنم این نگاه بیشتر ناشی از یک تحلیل سطحی است. در جام جهانی اساساً گروه آسان وجود ندارد. همین حرفی با او همسو هستم. وقتی به جام جهانی می روی، همه تیم ها با بهترین شکل و با انگیزه بالا می آیند و هر بازی می تواند سخت ترین بازی زندگی هر تیم باشد. در مورد نیوزیلند، چون شاید خیلی ها تصور می کنند این تیم ساده ترین حریف است، می خواهم تأکید کنم که نباید دست کم گرفته شود. ما سال ها پیش با این تیم بازی کردیم و شاید نتیجه خوبی گرفتیم، اما این به معنای این نیست که در جام جهانی داستان تکرار می شود. وقتی کشوری به جام جهانی می رسد، به طور طبیعی با تمام توان و با انگیزه ای که شاید در طول سال کمتر دیده شود، وارد میدان می شود. بنابراین هیچ کس نباید خیال کند مقابل نیوزیلند بازی راحتی خواهیم داشت.

آیا بلژیک همان کیفیت همیشگی را در جام جهانی خواهد داشت؟

بلژیک قطعاً همچنان تیم بسیار قدرتمندی است. درست است که نسل طلایی آنها نسبت به چند سال قبل کمی با به سن گذاشته، ولی نمی شود آنها را دست کم گرفت. بازیکنانی مانند دی پروینه، لوکاکو، کورتوا و... هنوز در سطح بسیار بالایی بازی می کنند و تجربه شان می تواند در جام جهانی تعیین کننده باشد. در کنار آنها، بازیکنان جوان تری هم می آیند که شاید کمتر دیده شده باشند ولی در باشگاه های بزرگ فوتبال اروپا بازی می کنند و انگیزه زیادی برای درخشش در جام جهانی دارند. بنابراین بازی با بلژیک یکی از سخت ترین بازی های ما خواهد بود و به همین دلیل نمی شود هیچ گونه خوشبینی غیرواقعی نسبت به این بازی داشته باشیم.

با توجه به اینکه آخرین بازی ما با مصر است به نظر می رسد این دیدار خیلی تعیین کننده باشد.

کاملاً بازی تعیین کننده همین بازی است. مصر تیمی است با فوتبال دان ها، با بازیکنی مثل محمد صلاح که در سطح جهانی ستاره بی بدیل است و همچنین

بازیکنان دیگر مانند مرموش که تجربه فراوانی دارند. با این حال معتقدم

می شود جلوی مصر بازی خوبی ارائه داد و امتیاز لازم را گرفت. اگر ما بازی با نیوزیلند را به عنوان بازی سه امتیازی در نظر بگیریم، آن وقت بازی با مصر می شود نقطه عطف و تعیین کننده مسیر صعود. البته یادمان باشد که جام جهانی همیشه پر از شگفتی است و هیچ نتیجه ای قابل پیش بینی نیست.

به نظر شما چقدر بازی های تدارکاتی قبل از جام جهانی مهم است؟

بسیار زیاد. وقتی هدف ما صعود از گروه است، باید برنامه ریزی مان در همین سطح باشد. لازم است با تیم های بزرگ بازی کنیم زیرا تنها در این صورت می شود کاستی ها را شناخت و اصلاح کرد. خوشبختانه شنیدم فدراسیون فوتبال و حتی آقای رئیس مجلس گفته اند در تلاشند بازی های سطح بالا تدارک دیده شود و امیدوارم همین طور باشد. در این مسیر، همه باید حمایت کنند. بازی هایی مثل اسپانیا، اسکاتلند، یا حتی تیم هایی مانند الجزایر و تونس که سبکی شبیه مصر دارند، می تواند در آماده سازی ما بسیار مؤثر باشد. حتی بازی با تیم هایی مانند پاناما می تواند به لحاظ هماهنگی خوب باشد.

شما همیشه تأکید زیادی بر آمادگی ذهنی بازیکنان دارید. چرا این موضوع تا این اندازه مهم است؟

چون خود تجربه اش کرده ام. من وقتی خیلی جوان بودم و بازی های ملی ام به تعداد انگشتان یک دست نمی رسید، به جام جهانی رفتم. در

ظاهر شاید نباید آن قدر آماده می بودم، ولی ذهن من مرا به جلو می برد. وقتی وارد زمین شدم، احساس کردم می توانم بازی کنم، می خواهم بازی کنم و این اعتماد به نفس نتیجه داد. در جام جهانی همه چیز تحت تأثیر ذهن است. بازیکنی که ذهنش آماده باشد، ولو تجربه کم داشته باشد، می تواند بازی بزرگی انجام دهد. همان طور که دیدید، بعد از آن جام، من توانستم به لیگ برتر انگلیس بروم که یکی از سخت ترین و حرفه ای ترین لیگ ها است. به همین دلیل، کادر فنی بویژه امیر قلعه نویی اهمیت بسیار زیادی به این موضوع می دهد. ما می خواهیم بازیکنان نه تنها از نظر فنی، بلکه از نظر ذهنی هم در بهترین حالت باشند و برای این موضوع برنامه ریزی داریم. آیا معتقدید تیم ملی



ضعف هایی دارد؟ و چگونه می خواهید آنها را برطرف کنید؟
هر تیمی که به جام جهانی می رود نقاط قوتی دارد و طبیعتاً ضعف هم دارند. هیچ کس نیست که کامل باشد. اما وقتی شش ماه فرصت داریم، می شود خیلی چیزها را بهتر کرد. مهم ترین کاری که می شود انجام داد، تقویت ذهنیت و بازی کردن با اعتماد به نفس است. در بخش فنی هم با بازی های تدارکاتی و تمرینات سعی می کنیم نقاط ضعف را کمتر و نقاط قوت را بیشتر کنیم. امیر قلعه نویی و همه اعضای کادر فنی در این مسیر بسیار جدی هستند. ما به طور دائم بازی ها را آنالیز می کنیم، بازیکنان را زیر نظر داریم و نهایت تلاش خود را می کنیم.

آیا همه بازیکنانی که در اردوهای قبلی دعوت شده اند شانس حضور در جام جهانی را دارند؟

بله، قطعاً. هیچ بازیکنی کنار گذاشته نشده و هر بازیکنی که بتواند خودش را نشان دهد و آماده باشد، می تواند به جام جهانی برود. معیار ما فقط این است که چه کسی می تواند بیشتر به تیم ملی کمک کند. امیر قلعه نویی در انتخاب ها بسیار منصف و دقیق است و بقیه نداشته باشید بهترین ها را می بینیم. ترجیح می دهم از کسی نامی نبرم اما من خودم و کاری که دارم را مدیون آدم هایی می دانم که الهیایش را از آنها یاد گرفتم و هنوز هم یاد و خاطرات شان لبخند به لب می آورد و حالا هم احساس غرور می کنم که در روز ۸ هزار تایی شدن شماره روزنامه که مبارک همه آنهايي باشد که بودند و هستند، من هم هستم، من هم دیده شده ام. پرشمار و باکیفیت باشد.

و این خیلی مهم است. نسبت به صعود ایران از گروه چه دیدگاهی دارید؟

راستش شخصاً نمی خواهم قولی بدهم یا مردم را به سمت خوشبینی وا هی ببرم. این کار درست نیست. ما می خواهیم خوب و با برنامه بازی کنیم و هر نتیجه ای که به دست آمد، در نهایت مردم ایران احساس غرور کنند. اما قطعاً هدف ما صعود است و با همین نگاه تمرین می کنیم. اگر درست بازی کنیم، اگر دست کم نگیریم، اگر با ذهن آماده وارد میدان شویم، چرا که نه؟ ایران تیم خوبی است، در سید دو قرار گرفته و این نشان می دهد کیفیت دارد. به هر حال چشم میلیون ها ایرانی به ساق های بازیکنان و تفکرات شما دوخته شده است و انتظار دارند تیم ملی بهترین خودش باشد. مردم ایران بشدت فوتبال دوست هستند.

تشکر می کنم به خاطر همراهی و عشق شان. فوتبال ایران همیشه با مردم زنده بوده و همین انرژی است که به بازیکنان نیرو می دهد. امیدوارم در جام جهانی مردم لذت ببرند و احساس کنند فوتبال ایران اعتبارش را حفظ کرده است. ما در کادر فنی تمام تلاش مان را می کنیم، با بهترین روش ها برنامه ریزی می کنیم و سعی می کنیم بهترین نتیجه ممکن را بگیریم. اگر بتوانیم مردم را خوشحال کنیم، همین بزرگ ترین موفقیت است. البته مردم عزیز باید با انرژی های مثبتی که برای ما می فرستند ما را یار دهند. ما در آمریکا خواهیم بود اما دل مان پیش مردم ایران است و قطعاً برای شادی آنها تلاش خواهیم کرد.

یادداشت



لیلی خرسند
روزنامه نگار

خانه اول

گفته اند بنویس و من باید بنویسم، از جایی بنویسم که یک روزی خانه ام بوده، خانه اول. خانه اول؛ جایی که زندگی ات را آنجا شروع کرده ای، همیشه برایت متفاوت است، یک جور خاصی عزیز است. هر چقدر که سنت بالاتر برود، وضع جیب خانواده ات بهتر شود و خانه هایت بزرگ تر و قشنگ تر، ولی ته ذهنت خانه اول، خانه را برایت تعریف می کند. حتی در خواب ها هم آن خانه اول است که خانه تو است. مثل عشق اول که هر چقدر عاشق شوی و فارغ، باز هم نفر اول برایت سمبل عشق است. این را می شود در کار و شغل هم دید. برای من ایران ورزشی و در کل، مجموعه «ایران» همیشه خاص بوده. «ایران» جایی است که برای اولین بار پایم را آنجا گذاشتم تا کاری را انجام بدهم که عشقش را داشتم. اولین مطلبم آنجا چاپ شد، اولین حقوق خبرنگاری ام را از آنجا گرفتم و... در کل باید بگویم من با ایران و ایران ورزشی شدم چیزی که الان هستم. البته که چیز خاصی هم نشدم. آدم های بزرگی که به من یاد دادند چطور وارد اجتماع شوم، چه چیزی را سوژه ببینم، چطور بنویسم، چطور مصاحبه کنم، چطور گزارش بنویسم و... برای منی که ۸ترم در دانشگاه پشت میز درس روزنامه نگاری خوانده بوده، کلاس اصلی درس نشستن کنار دست بزرگانی بود که در ایران و ایران ورزشی بودند. ترجیح می دهم از کسی نامی نبرم اما من خودم و کاری که دارم را مدیون آدم هایی می دانم که الهیایش را از آنها یاد گرفتم و هنوز هم یاد و خاطرات شان لبخند به لب می آورد و حالا هم احساس غرور می کنم که در روز ۸ هزار تایی شدن شماره روزنامه که مبارک همه آنهايي باشد که بودند و هستند، من هم هستم، من هم دیده شده ام. پرشمار و باکیفیت باشد.

یادداشت



مهری رنجبر
روزنامه نگار

ایران ورزشی : نقطه عطف من

انگار قسمت بود، کار را جایی تمام کنم که شروع کردم. جایی که خانه ام است و به قول لیلی خانه اول، مثل عشق اول می ماند؛ همان قدر خواستی و ماندگار. داستان من هم از ایران ورزشی شروع شد. جایی که رشد کردم و پله پله حرفه ای شدن را یاد گرفتم. با اینکه در دانشگاه روزنامه نگاری خوانده بودم، اما فقط خوانده بودم، حتی قبل از ایران ورزشی هم می نوشتم که بیشتر شبیه خط خطی کردن بچه ای بود که سواد ندارد و ادای نوشتن را در می آورد. من در ایران ورزشی اما دوباره هر چیزی را آن طور که باید مشق کردم، آن هم پیش کارلدها و تاپ های روزنامه نگاری. اگر هم بین ورزشی نویس ها، سری بین سرها درآوردم از همین جابود. یک کلام نقطه عطف بود. وقتی بعد از چند سال دوباره پایم به خانه باز شد، دیدم خانه همان خانه است، اما جای خالی قدیمی ها بدجوری توی ذوق می زد، آنهایی که آسمانی شده اند و بعضی ها هم بازنشسته. هر چند این روزها ایران ورزشی حال و هوای قدیم را ندارد و با مرور خاطرات بزرگانی که روزی کنار آنها می نشستم روزها را سر می کنم، کم کم آماده می شوم برای روزهایی که دیگر اینجا نیستم. با این حال خوشحالم که انتشار شماره ۸ هزار آن را می بینم. مبارک آنهایی باشد که در روزهای سخت برای ابرجرا ماندن آن تلاش می کنند.



یادداشت

علی عالی
روزنامه نگار

سرمایه‌ای به نام ایران ورزشی

۱- دهم اردیبهشت ۱۳۹۸ تا چهارم دی ماه ۱۴۰۰: ۹۷۱ روز مدیریت مسئول و سردبیری روزنامه فرهیخته ایران ورزشی. دورانی شیرین و جذاب. از نظر من، سقف روزنامه‌نگاری ورزشی در ایران. کنار بچه‌های تحریریه، پرچم روزنامه‌نگاری در ایران را بالا نگه داشتیم.

۲- سرمایه ایران ورزشی، تحریریه‌اش است. دوستان خوبی مثل آرمن ساروخانیان، فرشاد کاس نژاد، حمیدرضا عرب، مرحوم آقا وصال روحانی، امیر اسدی، محمد قراقرلو، سعید آقایی، هومن جعفری، مهدیه دریابیگی، جعفر بزرگر، اکبر منتشلو، سمیرا شیرمردی، علی رضایی، اشکان نعمت‌پور، علی بلندنظر، سید جادی، پاسر احمدی، آزاده پیراکوه، محسن وظیفه، رضا عباسپور، محسن آجرلو و ناصر انصافی مقدم را همان‌جا پیدا کردم. زحمت صفحه‌آرایی را هم محسن زاکری، علی عباسی، حامد حسینی و فرشید بهاری برعهده داشتند. زحمت بخش ویراستاری را هم مسعود قراقرلو، فرشته معتمدی، علیرضا عبدالوند، معصومه مهدوی روشن و سیده زهرا آرامی می‌کشیدند و خانم سمیه مهدی‌پور هم روابط عمومی مجموعه بودند. دوستان خوبی که بخش مهمی از زندگی‌ام شدند. ۳- همراه با من، دوستان خوبم هم آمدند و کمک کردند. با کمترین هزینه و بیشترین خروجی. استاد ابراهیم افشار، احسان محمدی، رسول مجیدی، علی مغانی، حمید سلیمی، حسین قهار، وحید جعفری، سامان موحد، سام ستارزاده، علی کمانگری، سپهر خرمی، مجتبی صدوقی، شکوفه موسوی، نوید صراف، ارش حسن‌پور، مجتبی رفیعی، مهدی زارعی، معیاد نیک، مریم مجید، سالار علیخواه و حتی پای یادداشت‌نویسان هم به روزنامه باز شد: سعید فاتحی، بهمن فروتن، منوچهر زندی، هوشنگ نصیرزاده، نوید مظفری. صید بزرگ ایران ورزشی، جاپ شهاب جعفرزاد بود. طرح‌هایش در روزنامه، حسابی ما را متفاوت کرده بود.

۴- به خاطر دارم از اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸، صفحه اول تغییر گرافیکی داشت و اصرار داشتیم صفحه اول، داستان داشته باشد و فرمش تغییر کند.

۵- صفحه اول‌های بیادماندنی داشتیم که فراموش‌نشده‌ای است و همیشه وقتی حالم خوب نیست، نگاه‌شان می‌کنم. برای اولین‌بار از گزینه مهدی تاج پرده برداشتیم. مارک ویلموتس؛ بازی چرک فوتبال ایران و فدراسیون تاج؛ طرح بی نظیر از ناصر حجازی به مناسبت هشتمین سالگرد درگذشتش. اتفاقات فینال جام‌حذقی و تقدیم ستاره ششم ایران ورزشی به فدراسیون پنج‌ستاره که حسابی سروصدا کرد. ویژه‌نامه‌های جام جهانی زنان در ایران ورزشی برای اولین بار منتشر شد و عکس‌های اختصاصی مریم مجد منتشر شد. چاپ عکسی از یک زن روی صفحه یک برای اولین‌بار؛ آن هم ستاره فوتبال زنان آمریکا که در فضای مجازی خیلی دیده شد و حتی صفحه اول روزنامه ایران ورزشی در موزه فیفا با دوربین مریم مجد به نمایش درآمد. و از همه مهم‌تر جلد متفاوت از حضور زنان در ورزشگاه. ایده را از یک طرح خارجی گرفتم و برای شهاب جعفرزاد فرستادم که خیلی موردتوجه قرار گرفت و حتی به خاطر دارم فدای این روز هم تنها روزنامه‌ای بودیم که از دل تماشاگران زن، رو به زمین و فوتبال‌بست‌های تیم‌ملی جلد را بستیم و نشان دادیم این اتفاق چقدر مهم است.

۶- تصمیم مهم، انتشار ویژه‌نامه‌های آخر هفته ایران ورزشی بود. ۲۳ آبان ۱۳۹۸ اولین شماره منتشر شد. سوره‌هایی که شاید سال‌ها هیچ‌کس به آنها توجه نکند. با افتخار در کنار بهترین‌های ورزشی نویسی، ۹۵ شماره منتشر شد. از روز اول تا روز پایانی که در روزنامه بودم منتشرش کردم و تبدیل به شناسنامه روزنامه در آن روزها شد. ویژه‌نامه عید ایران ورزشی در سال ۱۳۹۹ حسابی ترکاند. حتی به چاپ دوم هم رسید. عکس‌هایی که برای اولین‌بار از تختی و فردین منتشر شد.

اگر یک لباس بخواهد در سالن آزادی باشد، لباس آیدین است

نیکخواه بهرامی: عملکرد ۴ ساله داوری خاکستری بود



از نظر من آیدین از دنیا نرفته، همیشه هست و با او زندگی می‌کنم. تمام مراحل زندگی من با وجود آیدین بهتر و قشنگ می‌شد و حتی

خودم هم آدم بهتری می‌شدم

قطعا بعضی انتخاب‌ها سؤال برانگیز بوده است. پیشنهاد من به رئیس فعلی فدراسیون و رؤسای آینده این است که آدم‌هایی را انتخاب کنند که علم روز را داشته باشند تا بتوانند یک باری از روی دوش فدراسیون بردارند، نه اینکه خود بار سنگینی روی دوش فدراسیون باشند.

کامیاز شکوهی، هادی عامری و مصطفی هاشمی قصد حضور در انتخابات را دارند. فکر می‌کنید آمدن این اسامی می‌تواند به بسکتبال کمک کند یا ماندن داوری به صلاح خواهد بود؟

درباره این اسامی نظری ندارم. بعضی از آنها مثل مصطفی هاشمی سابقه بسیار زیادی در بسکتبال دارند. مسئولیت سنگینی است و آقایانی که قصد حضور در انتخابات را دارند باید بدانند که وقتی انتخاب شوند روی آب هستند و همه تیرها به سمت آنها شکلیک می‌شود، پس باید این توانایی را در خود دیده باشند. عده‌ای سعی می‌کنند من را به داوری پشیمانند اما هرکسی از من کمک بخواهد قول شرف می‌دهم که بدون چشمداشتی به نفع بسکتبال نظر می‌دهم، حالا می‌خواهند گوش بدهند، می‌خواهند ندهند، همان‌طور که تا الان همین بوده است.

تیم ملی اخیرا در کاپ آسیا بعد از ۸ سال به سکو برگشت. فکر می‌کنید سیستم جوانگرایی مانولوپولوس تا چه اندازه جواب داده و نسل جدید چقدر می‌تواند با جای پای نسل طلایی بگذارد؟

تیم ملی اخیرا در کاپ آسیا بعد از ۸ سال به سکو برگشت. فکر می‌کنید سیستم جوانگرایی مانولوپولوس تا چه اندازه جواب داده و نسل جدید چقدر می‌تواند با جای پای نسل طلایی بگذارد؟

گفت‌وگو

فائزه زمانی
روزنامه نگار

وقتی نام صمد نیکخواه بهرامی می‌آید، هنوز هم برق خاصی در چشمان بسکتبالی‌ها موج می‌زند: کاپیتان نسل طلایی که یکی از ستون‌های بی‌تکرار تیم ملی بود، حالا این روزها کیلومترها دور از وطن زندگی می‌کند اما هنوز هم بسکتبال به گوشه‌ای از روزهای او گره خورده است. او در گفت‌وگویی صریح، از بازگشت تیم ملی به سکوهای آسیا تا انتخابات پیش روی فدراسیون، از ظرفیت نسل جدید تا دلتنگی همیشگی برای آیدین برادر فقیدش روایتی تازه و بی‌پرده ارائه می‌دهد.

در امریکا مشغول چه کاری هستید و تا چه اندازه بسکتبال در زندگی شما نقش دارد؟

در این ۴ سال اینجا مشغول تحصیل در رشته کاپورپراکتیک بودم که هفته پیش فارغ‌التحصیل شدم. به صورت همزمان یک کلینیک مدرسه بسکتبال دارم که روزبه‌روز بهتری می‌شود و همچنین در یک دبیرستان مربیگری می‌کنم. اوایل، همه چیز بویژه درس خواندن در این سن سخت بود اما خدا را شکر حالا همه چیز خوب است.

از دخترتان چه خبر؟ همچنان بوکس کار می‌کند یا توانسته‌اید او را به بسکتبال علاقه‌مند کنید؟

را بدهم با دخترم عالی است. بعضی بچه‌ها از اول هم اذیت نمی‌کنند و دختر من هم جزو همین دسته است. مدت خیلی کوتاهی بوکس کار می‌کرد که سرعت عصب و ضلالتش هماهنگ شود اما حالا اسکواش بازی می‌کند و در امریکا رنک ۴۵ یا ۵۰ را دارد. سخت ورزش می‌کند و همزمان به خوبی درسش را ادامه می‌دهد. خیلی مهم نیست که حرفه‌ای شود، همین که ورزش را ادامه بدهد برای ما کافی است. **انتخابات فدراسیون نزدیک است. عملکرد جواد داوری را در این ۴ سال چطور دیدید؟**

این سؤال خیلی عجیب است چرا که فدراسیون الان با چند دوره گذشته متفاوت بوده و کار وسیع‌تر است. باید از جوانب مختلف به این موضوع نگاه کرد اما اطلاعات من محدود است. فکر می‌کنم عملکرد داوری بد نبوده. به هر حال هر کسی که صندلی ریاست را تحویل می‌گیرد یکسری فعالتهای خوب دارد و طبیعتاً اشتباهاتی هم دارد. عملکرد داوری در این ۴ سال نه سیاه سپاه بود و نه سفید سفید، بلکه خاکستری عمل کرد. منتها عده‌ای که دشمنی دارند همه چیز را سیاه می‌بینند و برعکس، موافقان همه چیز را سفید می‌بینند اما من همیشه واقع‌بینانه نظر می‌دهم.

تیم ملی خوب و جوان با بازیکنان آینده‌داری داریم که باید با بازی‌های تدارکاتی حفظ شود. آنها در کاپ آسیا و

پنجره اول انتخابی هم خوب بازی کردند. البته این کار را مانولوپولوس نکرد و کار فدراسیون جواد داوری است. من نمی‌توانم اسمش را جوانگرایی بگذارم بلکه شروع به ساخت تیم جدیدی کردند که بعضی جوان بوده و بعضی نه. اما خدا را شکر تیمی با میانگین سنی مناسب و تکنیکی داریم که توانایی بالایی دارند اما همیشه بازیکن‌سازی آسان‌تر از حفظ آن است. یک بازیکنی که حرفه‌ای می‌شود از یک جایی به بعد خودش، خودش را مدیریت می‌کند و دیگر همه چیز به هوش هیجانی او برمی‌گردد.

ماتچ هم که نسل طلایی با او طلای قهرمانی آسیا گرفته بود، هدایت تیم‌های پایه را برعهده گرفته است. بازگشت او را به بسکتبال ایران چطور می‌بینید؟

ماتچ هم جزو همان انتخاب‌های اشتباهی است که گفتم. به نظر من او تجربه‌ای در رده پایه ندارد و نمی‌تواند چیزی به بسکتبال این رده اضافه کند. ماتچ در تیم ملی بزرگسالان تیم ترومن را تحویل گرفت که سال بعد اول شدیم. اما بعد از آن در مسابقات چین بهترین تیم ملی ما را که همه بازیکنان نسل طلایی بودند، اوت کرد. اواصلاً دانش بسکتبال ندارد و بازگشتش به شدت اشتباه است. حالا امیدوارم که بیايد و خلافتش را به من و منتقدانش ثابت کند اما من ماتچ را قبول ندارم، مخصوصاً در رده پایه.

یادی از مرحوم آیدین کنیم. نبود او در تمام این سال‌ها چقدر سخت بوده و اگر بود زندگی شما تا چه اندازه متفاوت‌تر می‌شد؟

از نظر من آیدین از دنیا نرفته، همیشه هست و با او زندگی می‌کنم. تمام مراحل زندگی من با وجود آیدین بهتر و قشنگ می‌شد و حتی خودم هم آدم بهتری می‌شدم. هر روز جای خالی او

پنجره اول انتخابی هم خوب بازی کردند. البته این کار را مانولوپولوس نکرد و کار فدراسیون جواد داوری است. من نمی‌توانم اسمش را جوانگرایی بگذارم بلکه شروع به ساخت تیم جدیدی کردند که بعضی جوان بوده و بعضی نه. اما خدا را شکر تیمی با میانگین سنی مناسب و تکنیکی داریم که توانایی بالایی دارند اما همیشه بازیکن‌سازی آسان‌تر از حفظ آن است. یک بازیکنی که حرفه‌ای می‌شود از یک جایی به بعد خودش، خودش را مدیریت می‌کند و دیگر همه چیز به هوش هیجانی او برمی‌گردد.

بعد از فوت مرحوم آیدین، به دستور مرحوم مشحون لباس ایشان را در سالن آزادی آویزان کردند اما در زمان ریاست طباطبایی این لباس را برداشتند و در زمان ریاست جواد داوری هم لباس حامد حدادی را آویزان کردند. نظرتان در این باره چیست؟

من که سالن را ندیده‌ام اما طبق چیزی که همه به من می‌گویند، برخلاف اسم سالن که به نام زنده یاد مشحون است، سالن حدادی است و کلاً همه یادشان رفته که بقیه هم وجود داشتند.

برداشتن لباس آیدین کار بسیار زشتی بود که طباطبایی انجام داد و کار داوری زشت‌تر بود چرا که او با آیدین همبازی بود و جا داشت لباسش را برمی‌گرداند اما این کار را نکرد. اگر قرار باشد یک لباس در سالن آزادی باشد، قطعاً آن لباس آیدین است.



ایران ورزشی به معنای واقعی امانت دار است

سامره: قلعه نویی کمک هایش را تقویت کند



این کمیته است. به مناسبت هشت هزارمین شماره روزنامه به سراغ او رفتیم که همواره ارتباط خوبی با ما داشته است.

گفتگو



حسین بزرگرباری
روزنامه نگار

امروز هشت هزارمین شماره روزنامه ایران ورزشی را پیش رو داریم. قبل از هر صحبتی تبریک و خسته نباشید می گویم به تمام عزیزانی که برای تک تک شماره های این روزنامه زحمت کشیدند. بدون شک از آن عزیزانی که برای پرسنل شما چای می آورد و خبرنگارانی که مطالب درست را انتشار می دهند تا خبرنگاران میدانی در موفقیت روزنامه نقش داشته و امیدوارم آینده روشن تری هم پیش روی تان باشد. ضمن اینکه برای افرادی که با نشریات صاحبه می کنند امانتداری بسیار مهم است که شما به معنای واقعی امانتدار خوبی هستید.

ممنون از لطف و محبت شما. به مهم ترین خبر این روزهای فوتبال بیردازیم یعنی قرعه تیم ملی فوتبال کشورمان در جام جهانی ۲۰۲۶. به نظر من اصلاً نباید به نام کشورها توجه کرد، چراکه هر تیمی می توانست همگروه ما باشد اما آنچه اهمیت دارد این است که ما باید ساختار تیم را عوض کنیم. باید جوان ها به تیم ملی اضافه شده و به آنها بها دهیم تا خیال مان برای ۶-۵ سال آینده راحت شود نه اینکه فقط بخواهیم در جام جهانی شرکت کنیم.

به نظر شما الان زمان کافی وجود دارد؟

فارغ از هر نتیجه و با هر مربی ای باید از همین الان تصمیم درستی اتخاذ شود و یکسری بازیکن جوان را در جام جهانی معرفی کنیم. در جام جهانی تمام تیم ها برای دفاع از نام شان به میدان

می آیند که ما هم از این قاعده مستثنی نیستیم، اما باید پوست اندازی کنیم تا برای تورنمنت های آینده جوان های سرchal و باکیفیتی داشته باشیم. به هرحال امیدوارم تیم ملی نتایج خوبی کسب کند و همه لذتش را ببریم.

شما قبلاً هم از سرمربی تیم ملی حمایت کرده بودید؟

قرار نیست در تیم ملی معجزه ای رخ دهد. با توجه به نفرات موجود بهترین گزینه برای هدایت تیم ملی همین امیر قلعه نویی بوده که از تیمش شناخت دارد، اما باید کمک هایش را تقویت کند. همان طور که درباره استقلال گفتم، تیم ملی هم نیاز به پوست اندازی دارد. امیر قلعه نویی باید خیلی بیشتر به جوان ها بها داده و پروسه جوانگرایی را در زمان خودش انجام دهد. در حال حاضر هم اگر مربی خارجی بیاید هیچ اتفاقی نمی افتد و قرار نیست با مربی خارجی در جام جهانی هر سه بازی مرحله گروهی مان را ببریم. به هر حال تغییر قلعه نویی اشتباه است. این مساله یکی از مشکلات فوتبال ما بوده و هست.

چطور؟

یکی از مشکلات اصلی فوتبال ما مدیریت است. مدیرانی که بعضاً برای ماندن و حفظ صندلی شان هر مربی را قربانی می کنند. شما نمی توانید مربی جوان بیاورید و بعد از ۲ تا ۳ ماه عذرش را بخواهید. باید به مربی جوان سه سال فرصت بدهید. متأسفانه مدیران ما فوتبالی و این کاره نیستند. هر وقت این موضوع حل شد، بسیاری از مشکلات فوتبال ما هم برطرف می شود.

دربی ۱۰۶ چطور ازبایی می کنید؟

زمان بازی دربی با تمرین تیم ما همزمان بود و همین امر هم فرصت تماشا ی بازی را از من گرفت. اما شنیدم که هر دو تیم فرصت هایی داشتند که البته شانس های استقلال بیشتر بوده است.



نمی شد: آن قدر پیوندها واقعی بود که مراسم ازدواج هم که خیلی از آن نگذشته است به یک نوستالژی بزرگ از ایران ورزشی تبدیل شد؛ جایی که همکاران قدیمی و جدید همه کنار بودند.

اگر بخواهم اسامی همگی همکاران این دوران را بیاورم باید قطاری از اسامی را ردیف کنم که خودم در مقابل شان ذره ای نیستم. اما نمی توانم به چند نفر اشاره نکنم و نگویم: ممنون آقای بزرگ، سپاس آقای منتشلو، یک دنیا تشکر از من و ارادتمند همگی شما دوستانم هستم که

به خاطر متبادر می شد، شاید یادداشتن کامل تر و دقیق تر از آب درمی آمد؛ چون ذهن و فکرم برای ادامه این مطلب یاری ام نمی کند.

باغم بسیار از این بخش بگذریم. در این سال ها سردبیران بسیار عزیزی آمدند و رفتند: از داود عطایی که شروع حضورم در زمان ایشان بود، تا علی آقا جواد، علی عالی، مهدی عباسی راد، سعید زاهدیان و آرش بشیری که البته همگی شان به من لطف و اعتماد داشتند و امروز دوستان نزدیکم هستند.

این خانواده بودن فقط در ساعت کاری تعریف

خاطره است.

در ادامه مسیر کاری ام، حالا مسئولیت بخش فنی به من سپرده شده که با تغییرات چارت سازمانی، به عنوان مدیر هنری روزنامه ایران فعالیت می کنم. اما در تمام این دوران، شانه به شانه عزیزانی کار کردم که هر کدام سهمی در شکل گیری تجربه و شخصیت حرفه ای ام داشتند؛ از ویراستاران نازنینی مانند آقایان عبدالوند، فراگزلو، قاسمی و خانم ها معتمدی، آرامی، غفاری، انتقانی، مهدی پور، روشن و... تا همکاران بخش صفحه آرایی و گرافیک مانند فرشید بهاری، علی عباسی، حامد حسینی، مجتبی حسین مرشدی، مرتضی طهوری، محمد طیار و دیگر دوستانی که سال ها همراه من بودند.

در کنار خاطرات شیرین، تلخی هایی هم بوده که هنوز برای همیشه در قلبم سنگینی می کند: از فوت حسین حیدری با وجود اینکه هرگز همزمان کنار هم کار نکردیم، اما به قول محمد فراگزلو که می گفت ترکیب روحیه طنان من و او می توانست معجونی رؤیایی برای تحریریه باشد تا در دست دادن ناهنگام و عجیب آقا وصال روحانی که از اولین روز حضورم در مؤسسه پشتیبان من بود و هیچ وقت مهر و لطفش را فراموش نمی کنم. کاش نام آقا وصال در آخر این یادداشت



محسن ذاکری
صفحه آرا

در آستانه انتشار شماره هشت هزارم روزنامه ایران ورزشی، ناخودآگاه ورق های خاطراتم هم یکی یکی ورق می خورند؛ خاطراتی که از سال ۱۳۸۹ تا امروز، شانزدهمین سال حضورم در مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران را شکل داده اند. روزی که پا به تحریریه گذاشتم، هنوز نمی دانستم قرار است بخش بزرگی از عمر حرفه ای و حتی زندگی شخصی ام را در این خانه بگذرانم؛ خانه ای که برای من فقط یک محل کار نبود، بلکه خانواده ای بزرگ، گرم و صمیمی بود. از همان روزهای اول که کار را به عنوان صفحه آرا شروع کردم، صفحه اول شد بخش جدانشدنی فعالیت من. سال های طولانی، فکر کردن به چیدمان، عکس، ترکیب بندی، طراحی و... تقریباً هر روزی که روزنامه منتشر شد، من هم کنار همان صفحات بودم؛ اگر به طور میانگین حدود ۲۵۰ شماره از روزنامه در هر سال منتشر شده باشد (آمار تقریبی)، عددی حاصل می شود که یعنی نیمی از عمر ایران ورزشی را در کنارش بوده ام و غالباً صفحه اولش را من چیدم. همین عدد برایم اندازه یک دنیا

یادداشت



فرهاد طلوع کیان
مدیرمسئول پیشین ایران ورزشی

وظیفه و تأثیر بی بدیل ایران ورزشی

انتشار هشت هزارمین نسخه روزنامه ایران ورزشی مبارک است بویژه اینکه یکی از رسانه های مظلوم دولت محسوب می شود. سه دهه تداوم یک رسانه دولتی با موضوع خاص ورزش در شرایط به اصطلاح حساس همیشگی کشورمان، زمان کمی نیست و برای خیلی ها که اکنون در رسانه ها شاغل هستند، از طول عمرشان بیشتر است.

شرایط حساسی که همواره گریبانگیر جمهوری اسلامی بوده و دست اندرکاران دولت های مختلف متأسفانه اغلب بدون نگاه استناددار و به شیوه سلیقه ای نسبت به رسانه متعلق به خودشان رفتار کرده اند و حساسیتی نسبت به حفظ و ارتقای این برند نداشته اند.

ورزشی که همواره موضوع استراتژیک جمهوری اسلامی ایران بوده ولی به جهت مختلف مورد غفلت قرار گرفته، چنان که در بعد رسانه ای هم همواره دچار بیشترین مصائب خرد و کلان بوده است.

ایران ورزشی تجربه کرده که می تواند پل ارتباطی دولت، مردم و جامعه ورزش باشد. تبیین سیاست های دولت و انعکاس نظرات مردم و جامعه ورزش به دولت وظیفه کمی نیست. دست اندرکاران دولت، مؤسسه ایران و روزنامه ایران ورزشی باید حساس باشند که ایران ورزشی، بولتن دولت نیست ولی روزنامه بخش خصوصی هم نیست. تأثیری بدلیل ایران ورزشی در دوره های مختلف قابل انکار نیست و نقطه اتکا و قوت است.

برای همه همکاران ارجمند، دست اندرکاران مدیر روزنامه و مؤسسه از صدر تا ذیل آرزوی توفیق و سربلندی دارم و امیدوارم با حمایت دولت بتوانند برچالش های عصر نوین و مجازی انتشار روزنامه با وجود مصائب اقتصادی غلبه کنند.

ایران ورزشی را تا اب دوست دارم و معتقدم به مثابه قطعه ای از وطن است که درد و رنج هایش باعث نمی شود ایران را دوست نداشته باشی.

یادداشت



اکرم احمدی
روزنامه نگار

کارخانه کماندوسازی

مرداد ۲۲ سال پیش دانشجوی ترم آخر ادبیات فارسی بودم، همین. نازک نازنجی، آفتاب و مهتاب ندیده و ترسو. از همه چیز می ترسیدم، از تاریکی، از آدم های غریبه، از خیابان خلوت، از سگ های ولگرد. اما چند ماه بعد، وقتی در یک شب برقی بهمن ماه از ورزشگاه آزادی تا میدان آزادی پیاده می رفتم، دیگر نه از خیابان خلوت می ترسیدم و نه از سگ های ولگرد. یک کماندو بودم. کوله پشتی قرمز را روی دوشم انداختم، سرباپینی خیابان را گرفتیم تا برسیم به میدان آزادی. خلویت می ترسیدم و نه از سگ های ولگرد. یک کماندو بودم. کوله پشتی قرمز را روی دوشم انداختم، سرباپینی خیابان را گرفتیم تا برسیم به میدان آزادی. قصد کشت، انکار برای بقایم جنگیدند، مثل خود من. من جنگیدن را از ایران ورزشی یاد گرفتم، وقتی دبیر سرویس هیوا یوسفی کارها را تقسیم می کرد و می رفت، تازه جنگ شروع می شد. قسمت من ورزش های رزمی بود. تکواندو، کاراته، جودو، وووشو... هیچ شباهتی به من آن روزها نداشتند، برای همین من شبیه آنها شدم. زنگ می زدم برای مصاحبه، جواب نمی دادند، می رفتم سالن تمرین، می رفتم سالن مسابقه، مصاحبه نمی کنم نداریم، باید حرف می زدند، باید مصاحبه می گرفتم حتی شده از زیرسنگ، همین. برای همین ما کماندوها از کارخانه آدم سازی ایران ورزشی بیرون آمدیم. شاهین رحمانی، سیامک رحمانی، هیوا یوسفی و لیلی خرسند با سبک کبوری، گاهی مهربانی و همیشه آموزگار از ما کماندوهایی ساختند که خیلی جان سختی داریم. ما جان سخت های ایران ورزشی بعد از یکی دو سال از هم جدا شدیم، اما همیشه مرید همان مراد هستیم.

در کنار تان یادگرفتم، بزرگ شدم و این مقال را برای قدردانی از الطاف شما مفتنم دانستم.

حتی حالا که کمی از فضای تحریریه دورتر شده ام، هنوز خودم را جزئی از این خانواده می دانم و آرزویم این است که نقش روزنامه ها، اگر بخواهم اسامی همگی همکاران این دوران را بیاورم باید قطاری از اسامی را ردیف کنم که خودم در مقابل شان ذره ای نیستم. اما نمی توانم به چند نفر اشاره نکنم و نگویم: ممنون آقای بزرگ، سپاس آقای منتشلو، یک دنیا تشکر از من و ارادتمند همگی شما دوستانم هستم که

به خاطر متبادر می شد، شاید یادداشتن کامل تر و دقیق تر از آب درمی آمد؛ چون ذهن و فکرم برای ادامه این مطلب یاری ام نمی کند.

باغم بسیار از این بخش بگذریم. در این سال ها سردبیران بسیار عزیزی آمدند و رفتند: از داود عطایی که شروع حضورم در زمان ایشان بود، تا علی آقا جواد، علی عالی، مهدی عباسی راد، سعید زاهدیان و آرش بشیری که البته همگی شان به من لطف و اعتماد داشتند و امروز دوستان نزدیکم هستند.

این خانواده بودن فقط در ساعت کاری تعریف



موفقیت فقط با برنامه ریزی و حمایت ممکن می شود

حسین فرکی: گروه ایران پنجاه.پنجاه است



به باور من، تازه بعد از صعود و ورود به جمع تیم ۳۲ بعدی است که فوتبال واقعی جام می شود. در تمام دوره های گذشته در این مرحله موفق نشویم، به این خودمان برمی گردیم. اما اگر تیم

پیش بینی می شد گروه ها ترکیبی ساده تر و متوازن تر باشند. جام جهانی از ۱۶ تیم شروع شد، بعد ۲۴ تیم شد، سپس ۳۲ تیم و حالا ۴۸ تیم. به نظر من در این تصمیم گیری، مسائل اقتصادی بر کیفیت فنی مسابقات ترجیح داده شده. افزایش تعداد تیم ها باعث شده عملاً ۱۶ تیم جدید به رقابت ها افزوده شوند و این مسأله روی سطح بازی ها تأثیر می گذارد.» فرکی اما مجموعه شرایط گروه ایران را «پنجاه.پنجاه» توصیف کرد و تصریح داشت: «در این گروه همه چیز ممکن است؛ از صعود تا عدم صعود. بخش مهم این معادله کاملاً به عملکرد خودمان برمی گردد. اگر از همین امروز برنامه ریزی دقیق برای بازی های

او در ادامه به ارزیابی شرایط گروه ایران در جام جهانی پرداخت و بار دیگر تأکید کرد که قبلاً نیز در این مورد توضیح داده است: «با توجه به اینکه جام جهانی به ۴۸ تیم افزایش یافته،



با این رمزینه متن کامل گفت وگو را بخوانید.



عبدالله شاهرخ / ایران ورزشی

با آمادگی و تدارک کامل وارد رقابت ها شود، شانس صعود ما کاملاً بالاست.» او با اشاره به مرحله دوم رقابت ها که پس از عبور از مرحله گروهی آغاز می شود، افزود: «به باور من، تازه بعد از صعود و ورود به جمع تیم ۳۲ بعدی است که فوتبال واقعی جام می شود. در تمام دوره های گذشته در این مرحله به هدف مان نرسیدیم. بنابراین حتی اگر مرحله نخست را پشت سر بگذاریم، تازه به نقطه صفر رسیده ایم و باید ببینیم می توانیم به موفقیت تاریخی دست پیدا کنیم یا خیر. اگر در آن مرحله موفق نشویم، به این خودمان برمی گردیم. اما اگر تیم

امیدوارم ایران ورزشی همینگونه بسکتبال را حمایت کند

کاظمی: اصحاب رسانه را دوست داریم



ارسلان کاظمی کاپیتان تیم ملی بسکتبال ازعلاقه اش به اصحاب رسانه بویژه ایران ورزشی گفت: «ما اصحاب رسانه را خیلی دوست داریم و امیدواریم که آنها هم بسکتبال را دوست داشته باشند. امیدوارم رسانه ها و ایران ورزشی که یکی از قدیمی ترین روزنامه ها است، همیشه همبند قدر بسکتبال را حمایت کنند.» او همچنین درباره تیم بسکتبال استقلال گفت: «درست است که استقلال تا به الان تمام بازی هایش را در لیگ برتر برده است اما این موضوع راحت نبوده و خیلی زحمت کشیدیم. تیم بسیار خوب و جوانی داریم و امیدوارم روند این پیروزی ها حفظ شود و برای نام استقلال هم که شده همه بازی ها را ببریم و دل مردم را شاد کنیم.» کاظمی در پایان بار دیگر با تبریک شماره ۸۰۰۰ ایران ورزشی گفت: «انتشار یک روزنامه ورزشی در این تعداد شماره و در این همه سال نشان از آن دارد که شما همراه همیشگی ورزش ایران بوده اید و این خود یک سرمایه اجتماعی بزرگ به حساب می آید که باید قدر آن را دانست.»



با این رمزینه متن کامل گفت وگو را بخوانید.



ندا شهنساری کاپیتان تیم ملی تنیس روی میز هم در جشن ایران ورزشی حضور پیدا کرد و در این باره گفت: «خیلی خوشحالم که در این مراسم خیلی گرم و صمیمی حضور پیدا کردم. به روزنامه وزین ایران ورزشی بسیار تبریک می گویم. ۲۴ سال است که عضو تیم ملی ایران هستم و در ۳ المپیک حضور پیدا کرده ام. اخیراً هم در مسابقات بازی های کشورهای اسلامی دو مدال طلا و یک برنز را کسب کردم.» او همچنین درباره نسل جدید تنیس روی میز بانوان گفت: «در سال های اخیر تنیس روی میز رشد چشمگیری داشته است و از وقتی که دختران این رشته در المپیک فعال شده اند نگاه ها به تنیس روی میز بانوان تغییر کرده است. بازیکنان جوان ما پتانسیل بالایی دارند و قطعاً می توانند در آینده حتی بهتر از من عمل کنند. نسل ما راه را برای جوانان باز کرد تا نسل جدید بتوانند با شجاعت بیشتری اهداف خود را دنبال کرده و جا پای ما بگذارند.»



با این رمزینه متن کامل گفت وگو را بخوانید.

گفت وگو با یکی از اولین های ایران ورزشی

حمیدی: می خواستیم مایه امید جوانان باشیم

چشم ۸ هزارمین شماره حضور یافت. هم امید و انگیزه را در جامعه ترویج کند. شاید امکانات و شرایط همواره مطابق انتظار نبود، لیکن ایده و اراده ما بر ایجاد تحولی در شیوه پوشش خبری و ارتقای نگاه جامعه نسبت به دستاوردهای ورزشی متمرکز بود. او درباره اهداف این روزنامه در بدو تأسیس افزود: «ما می خواستیم پیروزی ها را آنچنان برجسته سازیم که برای نسل های نامید آن روز مایه امید شود و نشان دهد جوانان ایرانی توانایی انجام امور بزرگ را دارند. این رویکرد، علاوه بر انعکاس رویدادها، نقش سازنده ای در شکل دهی به گفتمان ورزشی کشور داشت. از این رو امروز که شاهد استمرار و پایداری «ایران ورزشی» هستیم، خشنودم و برای همکاران پیشین و حال آرزوی توفیق روزافزون دارم. امیدوارم این نشریه همچنان به رسالت اطلاع رسانی و امیدآفرینی خود وفادار بماند.»



با این رمزینه متن کامل گفت وگو را بخوانید.

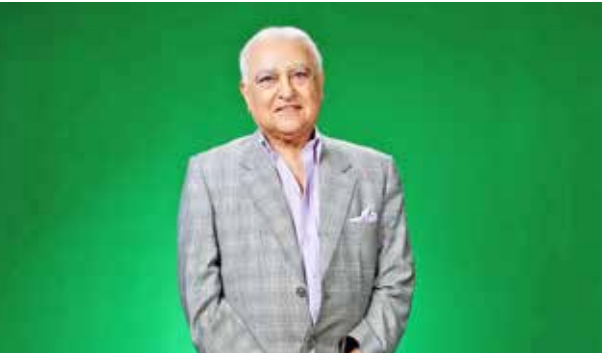
چشم ۸ هزارمین شماره حضور یافت. هم امید و انگیزه را در جامعه ترویج کند. شاید امکانات و شرایط همواره مطابق انتظار نبود، لیکن ایده و اراده ما بر ایجاد تحولی در شیوه پوشش خبری و ارتقای نگاه جامعه نسبت به دستاوردهای ورزشی متمرکز بود. او درباره اهداف این روزنامه در بدو تأسیس افزود: «ما می خواستیم پیروزی ها را آنچنان برجسته سازیم که برای نسل های نامید آن روز مایه امید شود و نشان دهد جوانان ایرانی توانایی انجام امور بزرگ را دارند. این رویکرد، علاوه بر انعکاس رویدادها، نقش سازنده ای در شکل دهی به گفتمان ورزشی کشور داشت. از این رو امروز که شاهد استمرار و پایداری «ایران ورزشی» هستیم، خشنودم و برای همکاران پیشین و حال آرزوی توفیق روزافزون دارم. امیدوارم این نشریه همچنان به رسالت اطلاع رسانی و امیدآفرینی خود وفادار بماند.»

یکی از میهمانان ویژه مراسم شماره ۸۰۰۰ ایران ورزشی، جمشید حمیدی نویسنده و مفسر پیشکسوت حوزه والیبال بود. نویسنده ای که در سال های ابتدایی انتشار روزنامه ایران ورزشی، بخشی از تحریریه این روزنامه محسوب می شد. در حاشیه مراسم شماره ۸۰۰۰، گفت وگویی کوتاه با آقای حمیدی انجام شد. حمیدی درباره حضورش در این جشن گفت: «سلام و عرض ادب به همه خوانندگان و همکاران گرامی روزنامه «ایران ورزشی». افتخار دارم که به نمایندگی از نسل نخست این نشریه در



این مراسم نمادی از پایداری یک رسانه معتبر است

زندنی: ایران ورزشی منصف و صادق است



عنوان یکی از ستون های رسانه های ورزشی در کشور افزود: «ضروری است سازوکارهایی پیش بینی شود تا تغییرات مدیریتی یا دولتی به طور نامتناسب به همکاران رسانه ای لطمه نزند و ناچار به تخلیه محل خدمت و وضعیت

بیکاری نشوند؛ این مسأله زیانبار است و نیازمند راه حل های اجرایی است. امیدوارم «ایران ورزشی» با حفظ استقلال و صداقت حرفه ای، توانمندسازی نسل جوان و بهره گیری از فناوری های نوین، به رسالت اطلاع رسانی و امیدآفرینی خود ادامه دهد و همواره محل اتکای جامعه ورزشی باقی بماند.»



با این رمزینه متن کامل گفت وگو را بخوانید.

منوچهر زندنی نویسنده ورزشی پیشکسوت و دبیرکل افتخاری انجمن ورزشی نویسان ایران که یکی از میهمانان ویژه جشن انتشار هشت هزارمین شماره روزنامه ایران ورزشی بود، در خصوص حضور در این مراسم گفت: «از دعوت و حضور در جشن هشت هزارمین شماره روزنامه ایران ورزشی صمیمانه سپاسگزارم. این مراسم نمادی از پایداری و تداوم مجموعه ای است که سال ها پناهگاه بسیاری از همکاران و محل اثبات حرفه ای گری در ورزش کشور بوده است. با تأسف باید گفت رسانه های کاغذی با چالش های جدی روبه رو هستند؛ اما «ایران ورزشی» نشان داده که توان همراهی با بازی تغییرات را دارد و این توانمندی ستودنی است.» زندنی در خصوص آینده روزنامه ایران ورزشی به

وبسایت

نقل قول

رسانه های ورزشی بخش جدایی ناپذیر ساختار ورزش ما هستند

خطیر: ایران ورزشی از ستون های اصلی رسانه های کشور است



علی خطیر مدیرعامل سابق باشگاه های استقلال و نساجی و عضو هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال ایران یکی از میهمانان جشن شماره ۸۰۰۰ روزنامه ایران ورزشی بود. در حاشیه این مراسم، گفت وگویی کوتاهی با آقای خطیر انجام دادیم. از حس و حال حضور در این مراسم بفرمایید. حضور در جشن هشت هزارمین شماره روزنامه معتبر و با سابقه «ایران ورزشی» برای من افتخار بزرگی بود. این روزنامه از ستون های اصلی رسانه های ورزشی کشور است و لازم می دانستم برای قدردانی از زحمات مجموعه پرتلاش آن در چراکه حاضر شوم. بسیار خوشحال شدم که در کنار شما بودم و امیدوارم جشن دهمزارمین شماره را هم در کنار یکدیگر جشن بگیریم و این مسیر موفقیت ادامه داشته باشد.

رابطه شما با رسانه های ورزشی به ویژه ایران ورزشی، چگونه بوده است؟

همواره تلاش کرده ام رابطه ای دوستانه و مبتنی بر تعامل دوطرفه با رسانه ها داشته باشم. طبیعی است که در مقاطعی چالش هایی به وجود می آید و در دوره هایی نیز همدلی و همراهی بیشتری شکل می گیرد، اما به باور من رسانه ورزشی بخش جدایی ناپذیر از ساختار ورزش و به خصوص فوتبال کشور است. همیشه برای خبرنگاران و فعالان رسانه ای احترام زیادی قائل بوده ام چراکه بخش مهمی از آگاهی رسانی و رشد ورزش در کشور، حاصل تلاش صادقانه این عزیزان در تمامی شرایط است. وظیفه خود می دانم که این احترام را حفظ و از زحمات شان قدردانی کنم. از دعوت روزنامه ایران ورزشی صمیمانه تشکر می کنم و امیدوارم این رسانه با قدرت و کیفیت همیشگی مسیر خود را ادامه دهد و در آینده نه چندان دور دهمزارمین شماره اش را نیز با هم جشن بگیریم.



با این رمزینه متن کامل گفت وگو را بخوانید.

ستار همدانی:

رسانه دلسوز، غنیمت است



ستار همدانی، چهره نام آشنای فوتبال ایران و یکی از میهمانان ویژه مراسم جشن انتشار هشت هزارمین شماره روزنامه ایران ورزشی، در حاشیه این رویداد ضمن تبریک به خانواده بزرگ این رسانه گفت: «این روز بزرگ را به همه خبرنگاران و عکاسان ایران ورزشی تبریک می گویم. امیدوارم در مسیر پیشرفت ورزش کشور همچنان استوار قدم بردارند. ایران ورزشی از آن دسته رسانه هایی است که همیشه تلاش کرده حامی ورزشکاران ملی باشد و نقش مثبتی در فضای ورزش ایفا کند.»

او با اشاره به سابقه طولانی همراهی با این روزنامه ادامه داد: «سال هاست مطالب ایران ورزشی را می خوانم و واقعاً روزی نیست که این روزنامه را ورق نزنم. حتی اگر دسترسی به نسخه چاپی نداشته باشم، آن را به صورت اینترنتی دنبال می کنم. دلیل این همراهی هم روشن است: ایران ورزشی رسانه ای محترم، دقیق و حرفه ای است.» همدانی درباره خط مشی رسانه ای این روزنامه گفت: «ایران ورزشی همیشه سعی کرده نقدهای سازنده ارائه دهد و در یک فضای محترمانه به تحلیل مسائل بپردازد. این ویژگی بسیار ارزشمند است؛ چون ورزش کشور بیش از هر زمان دیگری به رسانه های مسئول، دلسوز و آگاه نیاز دارد. امیدوارم این مسیر ادامه پیدا کند و این روزنامه همچنان بر اصول حرفه ای خود پایبند بماند.» او همچنین از کیفیت برگزاری مراسم تشکر کرد: «مراسم بسیار زیبا و برنامه ریزی دقیق برگزار شد. من با عشق و علاقه آمدم تا کنار شما این شماره ماندگار را جشن بگیرم. آرزو می کنم همه خبرنگاران، عکاسان و کارکنان ایران ورزشی در صحت و سلامت باشند و بتوانند همچنان به وظیفه مهم خود در انعکاس واقعیت های ورزش ایران ادامه دهند.»



با این رمزینه متن کامل گفت وگو را بخوانید.



- روزنامه ورزشی صبح ایران
- صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیرعامل: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران: علی متقیان
- تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۰۴۱۱۳۳ • نمابر: ۸۴۷۸۱۷۳۳
- پتوگرافی و چاپ: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
- سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۸۸۵۰۱۳۰۰ • ۸۸۷۴۶۵۸۳
- امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ • ۸۸۵۲۱۹۵۴
- نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵

آقا جواد، متشکریم

جشن شماره ۸۰۰۰ ایران ورزشی با شکوه هر چه تمام‌تر برگزار شد. تمام بزرگان ورزش ایران آمده بودند تا مدیون لطف و محبت‌شان باشیم. نام‌هایی که وزن سالن اجتماعات مؤسسه ایران را آتقدیر بالا برده بودند که هر میهمان تازه‌واردی از دیدن این همه چهره شاخص ورزشی، هیجان زده می‌شد.

در کنار همه بزرگان ورزش ایران که لطف‌شان را تا ابد

فراموش نخواهیم کرد و مدیونشان می‌مانیم، فردی آمد که ضرورت دارد از او به شکلی جداگانه و خاص تشکر کنیم: جواد خیابانی.

آقا جواد مثل برادر آمد، با تمام وجود و بی‌منت. کنار دوست کم‌حرف و نجیبش حسین آقا دکایی، با آنکه برنامه کاری‌اش بسیار فشرده بود، تا آخرین دقیقه مراسم را به بهترین شکل ممکن اجرا کرد و بی‌سرو صدا در زمان

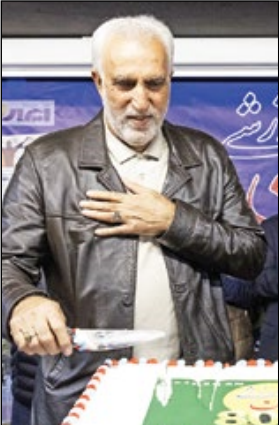
عکس یادگاری آخر مراسم رفت. آقا جواد، دوست بامعرفت! برنامه دیروز ما گرم و صمیمی اجرا شد چون شما اجرا را بر عهده داشتید. با وجود درد کهنه و آزاردهنده، پذیرفتید اجرای مراسم را بر عهده بگیرید و ۲ ساعت سرپا بودید و یقین داریم نبی از حرارت و جذابیت مراسم به خاطر شما بود. واقعاً متشکریم برای این همه لطف برادرانه و بی‌منت.

ایران ورزشی به مرز ۳۰ سالگی رسید

بزرگان ورزشی در جشن باشکوه ۸۰۰۰

جشن انتشار ۸ هزارمین شماره روزنامه ایران ورزشی روز گذشته در سالن آمفی تئاتر مؤسسه فرهنگی-مطبوعاتی ایران برگزار شد؛ جشنی که نه تنها یادآور سه دهه تلاش مستمر این رسانه بود، بلکه نشان داد ایران ورزشی هنوز هم یکی از معتبرترین و اثرگذارترین رسانه‌های ورزشی کشور است. حضور گسترده پیشکسوتان، مربیان، قهرمانان، مدیران و چهره‌های شناخته‌شده ورزش ایران، این مراسم را به یک گردهمایی مهم در تقویم ورزشی کشور تبدیل کرد.

گزارش



نقل قول

حدادی: اولین خاطره رسانه‌ای من با ایران ورزشی بود

احسان حدادی تنها مدال‌آور دومیدانی ایران در تاریخ بازی‌های المپیک و رئیس فدراسیون دومیدانی که در مراسم جشن شماره ۸۰۰۰ ایران ورزشی شرکت کرده بود، در این مراسم مصاحبه‌ای جالب از دوران قهرمانی خود را بازگو کرد. حدادی گفت: «ایران ورزشی همواره یکی از رسانه‌های اصلی ایران در حمایت از ورزشکاران بوده است. به یاد دارم سال ۸۰ و زمانی که ما در اردوی اوکراین بودیم، پس از قهرمانی من اولین عکس و گزارش از عملکرد من در رسانه‌ها منتشر شد که همچنان تصویر آن در اختیار پدرم هست. آن روزنامه، روزنامه ایران ورزشی بود و من هنوز تصویر آن را به طور کامل به یاد دارم. امیدوارم که این روزنامه همچنان به فعالیت‌های خود ادامه دهد.»

ناصر فریاد شیران: ایران ورزشی صادقانه حرکت می‌کند

ناصر فریاد شیران، پیشکسوت فوتبال ایران که در مراسم هشت‌هزارمین شماره روزنامه ایران ورزشی حضور یافته بود، در گفت‌وگویی کوتاه با تمجید از نقش این روزنامه در ورزش کشور گفت: «همواره از خبرنگاران و عکاسان ایران ورزشی به نیکی یاد می‌کنم. این رسانه سال‌هاست که صادقانه برای اطلاع‌رسانی تلاش کرده و در بسیاری از مقاطع با انتشار گزارش‌ها و تحلیل‌های دقیق، به رشد فضای ورزشی کشور کمک کرده است.»

او در عین حال اشاره‌ای هم به یکی از تیرهای قدیمی این روزنامه داشت و گفت که به آن انتقاد داشته‌است، اما تأکید کرد: «انتقاد باعث نمی‌شود ارزش کار بزرگ ایران ورزشی نادیده گرفته شود. این روزنامه نقش پررنگی در ورزش ایران داشته و دارد و من برای تمام اعضای تحریریه آن آرزوی موفقیت می‌کنم.»

فریاد شیران اظهار امیدواری کرد که ایران ورزشی همچنان مسیر رو به رشد خود را دنبال کند. «امیدوارم این روزنامه پله‌های ترقی را یکی پس از دیگری طی کند و مثل گذشته اثرگذار باقی بماند.»

او در پایان با تأکید بر اهمیت رسانه‌ها گفت: «رسانه‌ها نقش بسیار مهمی در پیشرفت ورزش دارند. باید یک ارتباط دو سویه، محترمانه و سازنده میان ورزشکاران و رسانه‌ها برقرار باشد. هر دو طرف می‌توانند به رشد هم کمک کنند و این تعامل، اساس یک فضای ورزشی سالم است.»

عالمی: ایران ورزشی با اصالت و ریشه‌دار است

ایمان عالمی، پیشکسوت باشگاه استقلال و سرپرست سابق این تیم که در مراسم جشن انتشار هشت‌هزارمین شماره روزنامه ایران ورزشی حضور داشت، در گفت‌وگویی کوتاه با ما درباره جایگاه این رسانه ورزشی گفت: «ایران ورزشی یک روزنامه حقیقت‌گوست؛ رسانه‌ای که همیشه تلاش کرده واقعیت‌ها را همان‌طور که هست منعکس کند. سال‌هاست با خبرنگاران این روزنامه در ارتباط و در تمام این سال‌ها جز صداقت، حرفه‌ای‌گری و دلسوزی برای ورزش چیزی از آنها ندیده‌ام.»

او با اشاره به پرهیز ایران ورزشی از حاشیه‌سازی افزود: «این روزنامه هیچ‌وقت دنبال تیرهای زرد و جنجالی نبوده و همیشه در مسیر توسعه و پیشرفت ورزش کشور حرکت کرده است. در فضایی که برخی رسانه‌ها برای دیده شدن گاهی به سمت حاشیه می‌روند، ایران ورزشی ایستادگی کرده و بر اصول حرفه‌ای خود پایبند مانده است.»

عالمی همچنین ابراز امیدواری کرد این رسانه راه موفقیت‌های خود را ادامه دهد: «هشت هزار شماره نقطه عطفی مهم است، اما مطمئنم ایران ورزشی می‌تواند به مرزهای بزرگتری برسد. برای این مجموعه با اصالت و ریشه‌دار آرزوی من همچنان مستدام، اثرگذار و در مسیر اعتلای نام ورزش ایران باشد. او در پایان گفت: «حضور در این مراسم برای من افتخار بود چون احترام به چنین رسانه‌ای احترام به تاریخ ورزش کشور است.»

خواج‌ه‌گیری: رسانه‌ها حامی تیم ملی باشند

نصرالله خواج‌ه‌گیری، یکی از میهمانان ویژه مراسم جشن هشت‌هزارمین شماره روزنامه ایران ورزشی، در حاشیه این رویداد درباره اهمیت این رسانه و نقش آن در ورزش کشور اظهار داشت: «نقش رسانه‌ها در پیشرفت و رشد ورزشکاران خود نشان داده که رسالتش را می‌شناسد و برای آن احترام قائل است. شخصاً امیدوارم این روزنامه همچنان به همان مسیر حرفه‌ای و اصولی که برایش تعریف شده پایبند بماند و با همین دست‌فرمان ادامه دهد.»

او با تأکید بر ضرورت حمایت از رسانه‌های قدیمی افزود: «یک رسانه با سابقه باید حفظ شود. ایران ورزشی فقط یک روزنامه نیست؛ بخشی از تاریخ ورزش ایران است. از مسئولان می‌خواهم به‌امور این رسانه توجه بیشتری داشته باشند و اگر مشکلی وجود دارد برای رفع آن قدم بردارند. ایران ورزشی شایسته است که با قدرت بیشتر در عرصه ورزش کشور حضور داشته باشد و بتواند همانند گذشته تأثیرگذاری خود را نشان دهد.»

خواج‌ه‌گیری همچنین به نقش رسانه‌ها در مقاطع مهم ورزشی اشاره کرد و گفت: «در ماه‌های منتهی به جام جهانی، رسانه‌ها می‌توانند و باید کمک حال تیم ملی باشند. حمایت رسانه‌ای هوشمندانه و سازنده برای موفقیت تیم ملی ضروری است و امیدوارم ایران ورزشی و دیگر رسانه‌ها در این مسیر مثل همیشه همراه ورزش کشور باشند.»

حضور پر تعداد بزرگان ورزش جلوه‌ای از اعتبار ایران ورزشی

این مراسم با حضور گسترده چهره‌های مطرح ورزشی همراه بود. تقریباً از تمامی رشته‌ها نمایندگانی در سالن حضور داشتند؛ موضوعی که نشان‌دهنده جایگاه فرا رشته‌ای ایران ورزشی در میان ورزشکاران است.

اسامی میهمانان به شرح زیر است: محمد شروین اسبقیان، منصور بزرگر، حسن روشن، حسین فرکی، علی مرادی، آرش میراسماعیلی، احسان حدادی، مهران شاهین‌طبع، ستار مهدانی، محمد نوری، ایمان عالمی، فریده شجاعی، بهنام ابوالقاسمیپور، نوید رضایی‌فر، صادق دروگر، ارسلان کاظمی، مجید افلاکی، شهرام هروی، علیرضا استکی، عسل پورحیدری، ندا شهنساری، مهرداد علی‌قارداشی، مهسا کرانی، محمد نصیری، پدیده بلوری‌زاده، علی پاکیزه‌جم، علی خطیر، یاسر همرنگ، نصرالله خواج‌ه‌گیری، ناصر فریاد شیران، حسین ذکالی و... این حضور گسترده نشان داد که ایران ورزشی نه فقط رسانه فوتبال بلکه رسانه ملی ورزش

تجلیل از خسرو والی‌زاده و یاد بزرگان رفته

در ادامه برنامه، ویدیویی از سخنان خسرو والی‌زاده، پیشکسوت رسانه و از بنیانگذاران ایران ورزشی پخش شد. او در این ویدیو از نقش تأثیرگذار این روزنامه در حرفه‌ای‌سازی ورزش ایران گفت و نیز یاد خبرنگاران درگذشته‌ای را گرامی داشت که سال‌ها در این رسانه قلم زدند. در این میان، مرحوم وصال روحانی بیش از سایرین مورد اشاره قرار گرفت: «قهرمانی وزارت ورزش و جوانان، پشت تریبون رفت و علاوه بر تریبک به خبرنگاران و عکاسان ایران ورزشی، پیام رسمی فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت را برای میهمانان قرائت کرد. در این پیام بر اهمیت ایران ورزشی در فرهنگ رسانه‌ای کشور و نقش این روزنامه در توسعه ورزش تأکید شده بود. اسبقیان نیز در ادامه سخنان خود از نقش ایران ورزشی در ثبت تاریخ ورزشی کشور قدر دانی کرد. پس از سخنرانی‌ها، کلیپی از تیرهای ماندگار ایران ورزشی طی سه

سخنرانی مدیرمسئول و پیام دولت

پس از پخش کلیپ، علی متقیان، مدیرمسئول مؤسسه فرهنگی-مطبوعاتی ایران، نخستین سخنران اصلی مراسم بود. او ضمن تشکر از حضور ورزشکاران، مدیران، خبرنگاران و میهمانان، از زحمات تحریریه، بخش فنی، عکاسان، خبرنگاران و کارکنان روزنامه در سه دهه اخیر قدر دانی کرد. متقیان تأکید کرد که ایران ورزشی حاصل مهدلی و تلاش جمعی است و اگر این روزنامه با همراهی و همیاری این عزیزان توانسته به عدد ۸۰۰۰ برسد، نتیجه کار شبانه‌روزی مجموعه بزرگی است که خود را وقف صداقت و کیفیت کرده‌اند.

پس از او، سیدمحمد شروین اسبقیان، معاون ورزشی وزارت ورزش و جوانان، پشت تریبون رفت و علاوه بر تریبک به خبرنگاران و عکاسان ایران ورزشی، پیام رسمی فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت را برای میهمانان قرائت کرد. در این پیام بر اهمیت ایران ورزشی در فرهنگ رسانه‌ای کشور و نقش این روزنامه در توسعه ورزش تأکید شده بود. اسبقیان نیز در ادامه سخنان خود از نقش ایران ورزشی در ثبت تاریخ ورزشی کشور قدر دانی کرد. پس از سخنرانی‌ها، کلیپی از تیرهای ماندگار ایران ورزشی طی سه